

Ethical Crisis from the Perspective of Tehrani Citizens

Fariborz Bayat* , Seyed Mohammad Sadeq Mahdavi** , Bagher Sarukhani***

Abstract

Ethical crisis is a situation where the society lacks common rules and norms for organizing the actions and behavior, conflicts, and the weakness of these rules. The question of what and how the ethical crisis and the social factors affecting it is the main problem of this research, which have been done based on theories of Anomie and social disorder. The statistical population of the research is Tehrani citizens aged 18 and above in 2016. A sample of 400 people was selected from this city by multi-stage cluster method. The research method was a survey and the data was collected by questionnaire technique and through interviews, and secondary statistical data was also used. The findings of the research indicate that more than 93% of the respondents have evaluated the ethical situation of the society as critical. The findings show that 6 variables of Perceived inequality, weakness of social controls, dissatisfaction, selfish individualism, weakness of religious orientation and reduction of social participation, explain 71% of the changes in citizens' perception of the ethical crisis.

Keywords

Ethics, Ethical Crisis, Perceived Inequality, Dissatisfaction, Social.



*PhD in Sociology, Department of Science and Research, Islamic Azad University of Tehran, Iran (Responsible Author). fzbayat@gmail.com

**Professor of Sociology, Department of Science and Research, Islamic Azad University of Tehran, Iran. ms_mahdavi@sbu.ac.ir

***Professor of Sociology, Department of Science and Research, Islamic Azad University of Tehran-Iran. sarokani@ut.ac.ir

بحران اخلاقی از دیدگاه شهروندان تهرانی

فریبرز بیات*، سیدمحمدصادق مهدوی**، باقر ساروخانی***

چکیده

بحران اخلاقی، وضعیتی است که در آن، جامعه فاقد قواعد و هنجارهای مشترک انتظام بخش کنش‌ها و رفتارها، تعارض، تضاد و ضعف قدرت این قواعد است. پرسش از چیستی و چگونگی بحران اخلاقی و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن مسئله اصلی این پژوهش است که با بهره‌گیری از نظریات آنومی و آشفتگی اجتماعی بررسی شده است. جامعه آماری پژوهش، شهروندان تهرانی هجده سال به بالا در سال ۱۳۹۶ است. از این جامعه، به روش خوشه‌ای چندمرحله‌ای، نمونه‌ای به حجم چهارصد نفر انتخاب شد. روش پژوهش، پیمایشی است و داده‌ها با استفاده از پرسش‌نامه و از طریق مصاحبه گردآوری شده‌اند. در کنار آن، از داده‌های ثانویه آماری نیز استفاده شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد بیش از ۹۳ درصد پاسخ‌گویان، وضعیت اخلاقی جامعه را بحرانی ارزیابی کرده‌اند. یافته‌های تبیینی

* دکتری جامعه‌شناسی واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی تهران، ایران (نویسنده مسئول).

fzbayat@gmail.com

** استاد جامعه‌شناسی واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی تهران، ایران.

ms_mahdavi@sbu.ac.ir

*** استاد جامعه‌شناسی واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی تهران، ایران.

sarokani@ut.ac.ir



نشان می‌دهد شش متغیر احساس نابرابری، ضعف کنترل‌های اجتماعی، احساس نارضایتی، فردگرایی خودخواهانه، ضعف گرایش‌های دینی و کاهش مشارکت اجتماعی، ۷۱ درصد تغییرات تلقی شهروندان از بحران اخلاقی را توضیح می‌دهند.

کلیدواژه‌ها

اخلاق، بحران اخلاقی، احساس نابرابری، کنترل‌های اجتماعی، نارضایتی، فردگرایی خودخواهانه.

مقدمه

اخلاق (Ethics) به‌عنوان مجموعه قواعد مشترک انتظام‌بخش کنش‌ها و رفتار، متضمن خیر اجتماعی و مقوم هویت فردی و نظم و سامان اجتماعی است. قواعد اخلاقی، امکان زندگی معنادار، آرام و کم‌هزینه را برای شهروندان میسر می‌کند. بدون وجود چنین قواعدی، امکان ارتباط، تعامل و همکاری برای رفع نیازها وجود نخواهد داشت، رفتار کشگران فردی و جمعی، غیرقابل پیش‌بینی خواهد بود و نوعی آشفتگی و هرج‌ومرج به وقوع خواهد پیوست که بسیاری از جامعه‌شناسان از آن با عنوان بحران اخلاقی (Ethical Crisis) یا آنومی (Anomie) یاد می‌کنند.

اخلاق در جامعه ما ریشه‌های عمیق دینی، عرفانی و فلسفی دارد و این مسئله بر اهمیت جایگاه و حساسیت آن می‌افزاید. این اهمیت بیشتر از آنجا نشئت می‌گیرد که اخلاق در کنار اعتقادات و احکام، یکی از سه رکن دین اسلام و مذهب شیعه است. از سوی دیگر، استقرار نظام اسلامی و تأکید و توجه به ارزش‌های دینی و اخلاقی نیز بر اهمیت جایگاه اخلاق در جامعه ایران افزوده است. با وجود این، طی دهه‌های



گذشته به دلیل تغییر و تحولات سریع اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، نظام اخلاقی دستخوش دگرگونی شده است؛ به طوری که قواعد و هنجارهای اخلاقی از نظر مشروعیت، مطلوبیت و کارآمدی مورد تردید قرار گرفته و نظم و انسجام اجتماعی مختل شده که مصداق بحران اخلاقی است.

بحران اخلاقی، صفت جامعه در یک دوره است. در چنین وضعیتی، قواعد و هنجارهای مطلوب و مشترکی که افراد بر اساس آن‌ها با یکدیگر تعامل کنند، وجود ندارد (Parsons, 1951, p. 301-306). قواعد، متعارض و متضادند (Merton, 1949, p. 125-133) یا ضعیف شده‌اند، قدرت سامان‌دهی کنش‌ها را ندارند (دورکیم، ۱۳۶۰، صص ۶۵-۶۱ و ۹۵-۹۴) و ناکارآمد و بی‌اعتبار شده‌اند. در نتیجه، جامعه گرفتار بی‌نظمی، تضاد، تعارض و بی‌انسجامی شده است و کنشگران در سردرگمی و بلا تکلیفی به سر می‌برند.

بحران اخلاقی و آنومی از دیدگاه اغلب جامعه‌شناسان، ویژگی اصلی جوامع در حال گذار است. این جوامع در فرایند گذار به مدرنیته با حجم عظیم و سرعت زیاد انتشار ارزش‌ها و هنجارهای مدرن روبه‌رو می‌شوند و در معرض اختلال هنجاری مضاعف قرار می‌گیرند (چلبی، ۱۳۷۵، صص ۱۱۳-۱۱۹).

از چنین منظری، ایران به‌عنوان یک جامعه در حال گذار، از نظر اخلاقی در وضعیت آنومیک و آشفته به سر می‌برد. طی دهه‌های گذشته، به دلیل تحولات جمعیتی، رشد سواد و شهرنشینی، وقوع انقلاب و جنگ، بحران‌های اقتصادی و سیاسی و قرار گرفتن در معرض تحولات فناوری‌های نوین ارتباطی و جریان جهانی شدن، نظام اخلاقی جامعه در وضعیت بحرانی قرار گرفته است.

نتیجه این وضعیت، موجی از ناهنجاری، بزهکاری، انحراف و قانون‌شکنی است. تعداد پرونده‌های قضایی در کشور از پنج و نیم میلیون پرونده در سال ۱۳۸۰ به



پانزده میلیون در سال ۱۳۹۴ رسیده است (آملی لاریجانی، ۱۳۹۴) و همه خانوارهای کشور درگیر یک پرونده در محاکم دادگستری هستند و در مظان اتهام تخطی از قواعد اخلاقی و هنجارهای قانونی قرار دارند. نرخ زندانی در کشور در سال ۱۳۹۴ به ۲۹۰ نفر به ازای هر صد هزار نفر رسیده است (World prison studies, 2014) و ایران از این نظر، در رتبه نهم جهان قرار دارد. خودکشی، شاخص وضعیت آنومیک و بحرانی جامعه است. آمارهای رسمی نشان می‌دهد نرخ خودکشی از هشت نفر در هر صد هزار نفر در سال ۱۳۸۰ به ده نفر در سال ۱۳۹۴ افزایش یافته است. نرخ سرقت در سال ۱۳۹۴ به ازای هر صد هزار نفر به حدود یک میلیون فقره رسیده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴).

طلاق و ازهم گسیختگی خانواده از دیگر شاخص‌های آشفتگی اخلاقی است. نسبت ازدواج به طلاق از ۱۰/۴ در سال ۱۳۸۳ به ۴/۲ در سال ۱۳۹۴ رسیده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۴، سازمان ثبت احوال کشور، ۱۳۹۵). همچنین وضعیت فساد در ایران طی دهه اخیر وخیم‌تر شده است؛ به نحوی که نمره آن از ۳ در ابتدای دهه ۱۳۸۰ به ۲/۷ در سال ۱۳۹۴ رسیده و رتبه آن نیز از ۷۸ به ۱۳۰ سقوط کرده است (International Transparency, 2016).

علاوه بر شواهد عینی و آماری، یافته‌های چهار پیمایش ملی نشان می‌دهد شهروندان نیز وضعیت اخلاقی جامعه را کاملاً بحرانی و آشفته ارزیابی کرده‌اند. بنا بر نتایج این پژوهش‌ها، طی دهه گذشته، پایبندی به ارزش‌های اخلاقی چون صداقت، امانت‌داری، انصاف، عدالت و کمک و خیرخواهی کاهش یافته و ضدارزش‌هایی چون تظاهر و دورویی، تملق و چاپلوسی، کلاهبرداری و جرم و فساد رواج پیدا کرده است.

بنابراین، یافته‌های جامعه از نظر اخلاقی در وضعیت آنومیک قرار دارد و به نظر بیشتر مردم، وضعیت اخلاقی جامعه کاملاً بحرانی است و آنان احساس آنومی، سردرگمی و بلا تکلیفی می‌کنند، قاعده و راهنمای اخلاقی روشن و معتبری پیش



روی خود نمی‌بینند و در حالت بی‌هنجاری به سر می‌برند (رضایی، ۱۳۸۰، ص ۴۵-۴۹؛ گودرزی، ۱۳۸۲، ص ۳۱۱-۳۲۹؛ جوادی یگانه، ۱۳۹۵، ص ۳۸۳-۳۹۶؛ جوادی یگانه و غفاری، ۱۳۹۶، ص ۳۳-۳۹).

هدف این پژوهش تحلیل و تبیین چیرستی و چرایی وضعیت اخلاقی جامعه از دیدگاه شهروندان تهرانی است. این هدف با فرضیات زیر پی گرفته شده است:

۱. وضعیت اخلاقی جامعه بحرانی است؛
۲. فردگرایی خودخواهانه با بحران اخلاقی رابطه دارد؛
۳. احساس نابرابری با بحران اخلاقی رابطه دارد؛
۴. مشارکت اجتماعی با بحران اخلاقی رابطه دارد؛
۵. گرایش‌های دینی با بحران اخلاقی رابطه دارد؛
۶. کنترل‌های اجتماعی با بحران اخلاقی رابطه دارد؛
۷. احساس نارضایتی با بحران اخلاقی رابطه دارد.

پیشینه تحقیق

رفیع‌پور (۱۳۷۸) نشان داده وضعیت جامعه ایران آنومیک است و عواملی چون نابرابری اجتماعی، وضعیت اقتصادی نامناسب و کاهش اعتماد اجتماعی که به شدت از کاهش پایداری‌های مذهبی متأثر است، رفتار آنومیک شهروندان تهرانی را شکل می‌دهد.

کوثری (۱۳۸۲) نشان داده است جامعه در وضعیت آنومیک قرار دارد، میانگین احساس آنومی سیاسی یا ملتزم نبودن حکومت، مسئولان و جناح‌ها به قانون ۶۴ از حداکثر ۹۰ و به نحو قابل ملاحظه‌ای بالاست. میزان آنومی سیاسی در بین خود شهروندان یا پاسخ‌گویان نیز زیاد و میانگین آن ۴۴/۷ از حداکثر ۷۵ است. بنابراین یافته‌ها، مهم‌ترین عوامل مؤثر بر آنومی سیاسی، احساس ناعادلانه بودن قواعد، ضعف



یگانگی سیاسی، فردگرایی سیاسی، ضعف یگانگی دینی و سکولاریسم است. یافته‌های پیران (۱۳۸۵) حاکی از این است که میزان آنومی در بین جوانان تهرانی مورد مطالعه نسبتاً زیاد است؛ به طوری که ۵۶/۵ درصد آنان آنومی شدید داشته‌اند و بین آنومی و طبقه اجتماعی رابطه معنادار وجود دارد. کوثری و نجاتی حسینی (۱۳۸۸) در پژوهشی نتیجه گرفته‌اند ۴۹ درصد پاسخ‌گویان، احساس آنومی زیاد و ۴۳/۱ درصد، احساس آنومی متوسط دارند. یافته‌های شیانی و محمدی (۱۳۸۸) نشان می‌دهد ۵۶ درصد پسران و ۵۲/۲ درصد دختران دارای احساس آنومی فردی زیاد بوده‌اند. بالاترین میزان آنومی به کسانی تعلق داشته که از وضعیت زندگی خود و جامعه ناراضی بوده‌اند. همچنین، جوانانی که احساس بی‌اعتمادی و ناامیدی بیشتری داشته و معتقد بوده‌اند امروزه فقط پول اهمیت دارد، دارای احساس آنومی بیشتری بوده‌اند.

نادری و همکاران (۱۳۹۰) نشان داده‌اند احساس آنومی در جوانان بین متوسط و زیاد و قابل توجه است. بر اساس این یافته‌ها، پابندی دینی و عزت‌نفس با آنومی، رابطه منفی و احساس نابرابری، گم‌گشتگی فرهنگی و روابط نامناسب اجتماعی با آنومی، رابطه مثبت دارند. بنا بر یافته‌های جوادی و همکاران (۱۳۹۱)، میزان متوسط احساس آنومی در بین دانشجویان ۵۵/۶۱ درصد و زیاد است و بین احساس آنومی با هم‌بستگی اجتماعی، نظارت اجتماعی و مشارکت اجتماعی، رابطه منفی و بین شکاف ارزشی دانشجویان و احساس آنومی، رابطه مثبت وجود دارد.

در مطالعات خارجی، لی و کلید نشان داده‌اند متغیرهای مربوط به دین‌داری در تبیین واریانس آنومی، اثری بیشتر از طبقه اجتماعی اقتصادی دارد (Lee And clayde, 1974). آگنیو در پژوهشی تلاش کرد تأثیر تأکید بر هدف موفقیت (دستیابی به پول، قدرت و منزلت) را بر آنومی مطالعه کند (Agnew, 1980). نتایج نشان داد هر واحد افزایش در متغیر گرایش به موفقیت، به طور متوسط ۰/۲۴ واحد آنومی را افزایش می‌دهد. چاملین و کوچران



نیز نشان دادند زمانی که قدرت نهادهای غیراقتصادی (خانواده، سیاست، مذهب) در جامعه کمتر می‌شود، اثر فقر بر جرم بیشتر می‌شود (Mitchel And Cochran, 1995).

هاگان و همکاران در تحقیق دربارهٔ جوانان برلین به این نتیجه رسیدند که تضعیف کنترل اجتماعی غیررسمی و آرزوهای بی‌حد آنومیک موجب پیدایش انحرافات، قانون‌شکنی‌ها و گرایش‌های تند راست گرایانه در بین این جوانان شده است (Hagan and others, 1995، نقل از رفیع‌پور، ۱۳۷۸، ص ۵۹-۶۰). مسنر و روزنفلد نیز در مطالعهٔ خود نتیجه گرفتند هرچه کالازدایی بیش‌تر باشد، میزان اتکای شهروندان به بازار برای احساس خوشبختی کمتر می‌شود (Messner And Rosenfeld, 1997). آدننز مشخص کرد آنومی محصول موقعیت‌های فشارزا از جمله: درآمد کم، طبقهٔ اجتماعی اقتصادی پایین، ناامیدی از اصلاحات و احساس درماندگی شدید به آینده است (Adnanes, 2007). لگه نشان داده است متغیرهای زمینه‌ای و جهت‌گیری سیاسی رادیکال، زمینه‌ساز قوی آنومی هستند (Legge, 2008). پژوهش برگارد و کوچران نشان داد با تضعیف شدن نهادهای غیراقتصادی شامل خانواده، دین و آموزش و پرورش، میزان جرم افزایش می‌یابد (Bjerregaard and Cochran, 2008).

ادبیات نظری

دورکیم (Durkheim) جامعه را یک «اجتماع اخلاقی» (Ethical community) می‌داند و عنصر اساسی نظم اجتماعی را مجموعه قواعد و هنجارهای اخلاقی تلقی می‌کند (دورکیم، ۱۳۶۰، ص ۸۰-۷۴). با چنین درک و دریافتی است که اخلاق در مرکز جامعه‌شناسی دورکیم قرار دارد و او موضوع اصلی جامعه‌شناسی را بررسی «واقعیات اخلاقی» (Ethical facts) می‌داند (دورکیم، ۱۳۹۴، ص ۳۵).





بر مبنای چنین رهیافتی، اخلاق، مجموعه قواعد مشترک مقتدر، مطلوب، آگاهانه و انسجام‌بخشی است که کنش‌ها را در جهت خیر جمعی، منظم و پیش‌بینی‌پذیر می‌کند (دورکیم، ۱۳۶۰، ص ۶۵-۵۸). اجزا و عناصر این تعریف از اخلاق را می‌توان به صورت زیر مشخص کرد:

۱. قواعد مشترک: نقش این قواعد، انتظام‌بخشی به کنش‌های اجتماعی است؛ به طوری که با مشخص کردن انتظارات متقابل موجب پیش‌بینی‌پذیری کنش‌ها می‌شود. قواعد اخلاقی، دو ویژگی اساسی دارند: اقتدار و مطلوبیت. تقدس (Sacred) قواعد اخلاقی نوعی اقتدار و قدرت نفوذ به آن‌ها می‌دهد؛ به نحوی که کنشگران در قبال آن‌ها احساس وظیفه و تکلیف می‌کنند و خود را موظف به پیروی از آن‌ها می‌دانند. همچنین، قواعد اخلاقی مورد خواست و علاقه ما هستند؛ چرا که آن‌ها را مطلوب و دلپذیر می‌دانیم. اما این علاقه از نوع منفعت‌طلبانه یا لذت‌گرایانه نیست، بلکه از قدرت جاذبه این قواعد نشئت می‌گیرد؛

۲. انسجام‌بخش: قواعد اخلاقی عامل ارتباط و اتصال فرد با گروه، جمع و جامعه هستند، احساس تعلق و تعهد فرد را به جمع تقویت می‌کنند و موجب پرهیز از خودمحوری، خودخواهی و سرکشی فرد در قبال اجتماع می‌شوند؛

۳- آگاهی و اختیار: قواعد اخلاقی باید از روی آگاهی و اختیار و به صورت وجدانی و درونی پذیرفته و دنبال شوند؛ به نحوی که افراد احساس کنند تن دادن به این قواعد همواره بیشترین منفعت را برای فرد و جامعه دارد (ترنر، ۱۳۷۰، ص ۴۱۲-۴۱۳).

استحکام و پایداری اخلاق و تعهد به قواعد اخلاقی تا زمانی است که درباره مطلوبیت، مشروعیت، اقتدار، انسجام‌بخشی و انتخاب آزادانه و آگاهانه آن‌ها اتفاق نظر و اجماع وجود داشته باشد. تا زمانی که چنین اتفاق نظری وجود دارد، کنشگران اخلاقی عمل خواهند کرد. در چنین شرایطی، حتی اگر در برخی موارد این قواعد نقض شود نیز مشکل اساسی به وجود نخواهد آمد؛ همچنان که بسیاری از

قواعد دیگر نیز در مواردی نقض می‌شوند. حتی نفی یک قاعده و جایگزینی آن با قاعدهٔ جمعی دیگر نیز به بحران اخلاقی منجر نخواهد شد؛ چراکه در این صورت، جامعه صرفاً با تغییر یک قاعده و ارزش اخلاقی روبه‌روست، نه با بحران اخلاقی. اما چنانچه شکستن و نقض قواعد اخلاقی به صورت مکرر رخ دهد، به نوعی که خود تخطی به قاعده تبدیل شود، جامعه دچار بحران اخلاقی و آنومی است.

در جامعه‌شناسی از چنین وضعیت اخلاقی با عناوین بی‌هنجاری، بی‌قاعدگی، آشفتگی، تعلیق قواعد، خلأ قواعد، اغتشاش، تضاد قواعد، عدم التزام به قواعد، بی‌اخلاقی، ضد اخلاق، فساد اخلاقی و بحران اخلاقی یاد می‌شود.

دورکیم، آنومی را معادل «فساد اخلاقی» (Immoralita/Immorality) و حالت بیمارگونه و آسیب‌شناسانه‌ای می‌داند که سلامت اخلاقی جامعه را به مخاطره می‌افکند (دورکیم، ۱۳۹۴، ص ۹-۱۲). او معتقد است تکلیف و التزام به قواعد و مطلوبیت آن‌ها دو عنصر اساسی اخلاق است که در وضعیت آنومی به شدت آسیب می‌بینند. بنابراین، آنومی را می‌توان «عدم التزام به قواعد اخلاقی» تعریف کرد (دورکیم، ۱۳۶۰، ص ۴۸-۴۹).

دورکیم در آثار مختلف خود به علل و عوامل آنومی و بحران اخلاقی پرداخته است. او در سطح تحلیل ساختاری، بر نقش عدم انسجام اجتماعی در ایجاد بحران اخلاقی تأکید می‌کند (Durkheim, 1897, p. 240; Durkheim, 1893, p.729).

از نظر دورکیم، انسجام دو عنصر بنیادین دارد: حمایت اجتماعی و کنترل اجتماعی. حمایت اجتماعی موجبات پیوند و تعاملات اجتماعی را فراهم می‌آورد که به‌واسطهٔ آن افراد به اهداف مشترک اجتماعی گره می‌خورند. از چنین منظری، دورکیم فردگرایی خودخواهانه را که از نظر او، حاصل گسستن فرد از پیوندهای اجتماعی است، شرّ و سرچشمهٔ بحران اخلاقی می‌داند (دورکیم، ۱۳۷۸، ص ۴۱۱؛ Mestrovic, 1989, p. 16).



عنصر دیگر انسجام یعنی کنترل اجتماعی با بهره‌گیری از اهرم‌های بیرونی و قانونی موجب مهار خواسته‌ها و آرزوهای نامحدود، منفعت‌طلبی و فزون‌خواهی‌های فردی می‌شود. علت دیگر بحران اخلاقی از دیدگاه دورکیم، ناعادلانه بودن قواعد انتظام‌بخش رفتار است. او در اشاره به این مسئله می‌گوید برای آنکه افراد در جامعه رفتار اخلاقی داشته باشند، «وجود قواعد به‌تنهایی کافی نیست؛ لازم است قواعد مذکور درست و عادلانه باشند...» (دورکیم، ۱۳۹۴، ص ۳۶۰).

همچنین، به‌نظر دورکیم، در جریان تقسیم کار و تفکیک اجتماعی، وجدان جمعی و باورهای مشترک (دینی) ضعیف و در نتیجه، زمینه‌پیدایش آشفتگی و بحران اخلاقی فراهم می‌شود.

پارسونز، آنومی را معادل «بی‌هنجاری» و نقطه‌مقابل نهادگرایی و به‌معنی اختلال کامل نظم هنجاری (Normative disorder) می‌داند (Parsons, 1951, p. 310-306).

او معتقد است تغییر و تحولات و بحران‌های بزرگ اقتصادی اجتماعی، تعادل جامعه را بر هم می‌زنند. در نتیجه چنین وضعیتی، قواعد و هنجارهای پیشین قادر به هدایت رفتارها نیستند و نهادها ناکارآمد و ضعیف می‌شوند؛ بدین ترتیب، «بی‌هنجاری گسترده و فراگیری به وجود می‌آید که موجب اختلال کامل نظم هنجاری است» (کوزر و روزنبرگ، ۱۳۷۸، ص ۴۰۲-۴۰۳).

وی همچنین از مفهومی با عنوان «هم‌نوایی اجباری» نام می‌برد که بیش از آنکه داوطلبانه، درونی و آگاهانه باشد، بر فشار، اجبار و اضطراب متکی است؛ به همین دلیل، بسیار شکننده و ناپایدار است و با ضعف اهرم‌های کنترلی، اجماع و وفاق جای خود را به شک و تردید و نفی و انکار ارزش‌های اخلاقی می‌دهد (احمدی، ۱۳۸۴، ص ۵۴-۵۵).

به‌علاوه، پارسونز معتقد است هرگاه در جامعه‌ای عشق به خدا و توجه به اخلاق تضعیف گردد، آن جامعه با بحران‌های شدیدی مواجه می‌شود. چنین بحران‌هایی



فقط از طریق تأکید بر اخلاق و تقویت احساسات افراد به مقدسات و دین چاره خواهد شد (گولدنر، ۱۳۸۳، ص ۳۸۹).

از سوی دیگر، پارسونز معتقد است یکی از کارکردهای انتظام‌بخش نهادی برای جلوگیری از اختلال و بی‌نظمی، تعیین اولویت‌های نهادی شده وظایف و تکالیف است. از نظر او، چنین کارکردی به‌ویژه در جامعه‌ای آزاد و پویا بسیار مهم است و افراد به‌ناچار با وضعیت‌هایی روبه‌رو می‌شوند که آن‌ها را درگیر تقاضاهای متضاد می‌کند و این وضعیت‌ها بالقوه منشأ ستیزه است (Parsons, 1951, p. 302).

مرتن (Merton) با تأکید بر تعارض اهداف و ارزش‌های فرهنگی از یک سو و وسایل نهادی مشروع دستیابی به آن‌ها از سوی دیگر، آنومی را معادل «تعارض هنجاری» (Normative conflict) می‌گیرد (Merton, 1949, p. 125-133).

از دیدگاه مرتن، در شرایطی که اهداف و ارزش‌های فرهنگی با ساختارهای اجتماعی و نهادی تعارض دارند (رابینگتن و وایتنبرگ، ۱۳۹۰، ص ۱۰۱)، رفتارهای ناهم‌سو و آشفتگی هنجاری اجتناب‌ناپذیر می‌شود. جامعه‌پذیری ناقص که به‌قول مرتن، به‌جای ایجاد هم‌نوایی با اهداف و ارزش‌های موجود، افراد را ناهم‌نوا می‌کند نیز در تشدید بحران اخلاقی نقش دارد. سنخ‌شناسی مرتون از سازگاری اجتماعی حاکی از این است که سه گروه مناسب‌گرا، منزوی و طغیانگر و شورشی، اهداف فرهنگی را به‌عنوان ارزش‌های مطلوب و مشروع نمی‌پذیرند و حتی نفی و طرد می‌کنند.

این موضوع می‌تواند به آشفتگی اخلاقی، بی‌هنجاری و تعارض اجتماعی بینجامد. مرتن همچنین با تأکید بر نقش نظام فرصت‌های نابرابر در آنومی و آشفتگی اجتماعی معتقد است هنگامی که امکان دسترسی به شیوه‌های مشروع رسیدن به هدف‌های موفقیت‌آمیز برای بخش قابل توجهی از جمعیت، بسیار دشوار یا به‌طور کلی، غیرممکن باشد، آشفتگی، کج‌روی و انحراف در مقیاسی گسترده بروز می‌کند (کوزر و روزنبرگ، ۱۳۷۸، ص ۴۵۵).





بحران اخلاقی فقط دغدغه کلاسیک‌هایی چون مارکس (Marx)، دورکیم، وبر (weber) زیمل (Simmel) یا جامعه‌شناسانی چون پارسونز و مرتن نیست؛ چنین بحرانی در کانون توجه بسیاری از جامعه‌شناسان متأخر و معاصر قرار دارد. هابرماس (Habermas) نتیجه سلطه «سیستم» بر «جهان زندگی» را ازدست‌رفتن معنا، تزلزل هویت جمعی، بی‌هنجاری، بیگانگی و شیء‌گونگی جامعه می‌داند (پیوزی، ۱۳۸۴، ص ۲۳۹).

گیدنز (Giddens) تأکید می‌کند مدرنیته قدرت و نفوذ اخلاق و دین را به‌شدت کاهش داده و اکنون خطر جدی «بی‌معنایی و مهم‌ماندن» در برهوت اخلاقی، جوامع مدرن و در حال گذار را تهدید می‌کند (گیدنز، ۱۳۸۵، ص ۲۲۱-۲۲۶).

الکساندر (Alexander) معتقد است دیدگاه‌های اخلاقی قدرت‌گرا و منفعت‌گرای مسلط در جوامع مدرن به بحران اخلاقی دامن می‌زنند (Allen, 2009, p. 984-985). به اعتقاد بلا (Bellah)، تضعیف سنت‌های انجیلی و جمهوری‌خواهی موجب سست‌شدن کنترل‌های اجتماعی و نوعی فردگرایی منفعت‌محور شده که مسئول بخش عمده‌ای از بحران اخلاقی در جوامع مدرن است (Bellah, 1985, p. 29-35). مسنر (Messner) و روزنفلد (Rosenfeld) در نظریه آنومی نهادی معتقدند جامعه آنومیک نتیجه تسلط نهاد اقتصاد و ارزش‌های موفقیت، فردگرایی، عام‌گرایی و بت‌انگاری پول بر دیگر ساختارهای نهادی جامعه است؛ به‌طوری که بازدارنده‌های اخلاقی ضعیف و زمینه‌انواع ناهنجاری، بزهکاری و جرم و انحراف فراهم می‌شود (مسنر و روزنفلد، ۱۳۹۲، ص ۲۰۱-۲۱۲).

مدل نظری تحقیق

این پژوهش با اتخاذ رویکردی تلفیقی و نو، آنومی و بحران اخلاقی را یک سازه سه‌وجهی و به‌منزله وضعیتی تلقی می‌کند که در آن، جامعه دچار بی‌هنجاری، تعارض هنجاری و ضعف هنجاری است. هر یک از ابعاد سه‌گانه مذکور به درجه و

سطوحی از بحران اخلاقی اشاره دارند. «عدم التزام به قواعد» یا «ضعف هنجاری» که دورکیم بر آن تأکید می‌کند، لایه بیرونی و آشکار بحران اخلاقی را نشان می‌دهد. «تعارض هنجاری» موردنظر مرتن گویای سطح میانه و متوسطی از چنین بحرانی است و «بی‌هنجاری» و اختلال کامل نظم هنجاری، به تعبیر پارسونز، نقطه اوج بحران اخلاقی است.

جدول ۱: مفاهیم و متغیرهای نظریه پردازان و پژوهشگران کمک‌کننده به چارچوب نظری

نوع متغیر	نام متغیر	نظریه پرداز	مفاهیم و متغیرهای مورد تأکید
متغیر وابسته	بحران اخلاقی و ابعاد آن (بی‌هنجاری، تعارض هنجاری و ضعف هنجاری)	دورکیم، پارسونز، مرتن، هابرماس، گیدنز، الکساندر، بلا، مسنر، روزنفلد، آگینو، رفیع پور، چلبی، پیران، رضایی، گودرزی، جوادی یگانه و غفاری	بحران اخلاقی، فساد اخلاقی، عدم التزام به قواعد اخلاقی، تزلزل قواعد اخلاقی، ضعف هنجاری، اختلال هنجاری مضاعف، بی‌هنجاری، تعارض و تضاد هنجاری، آنومی، بیگانگی و شیء گونگی جامعه، نابسامانی، آشفتگی، اغتشاش، بیماری اخلاقی، ضداخلاق، متناقض با اخلاق، نقطه مقابل رفتار نهادی، آنومی نهادی، سردرگمی، بلاتکلیفی، بی‌معنایی و مهمل ماندن در برهوت اخلاقی
متغیرهای مستقل	فردگرایی خودخواهانه	دورکیم، هابرماس، بلا، الکساندر، هاگان، مسنر و روزنفلد، آگینو، کوثری، شیانی و محمدی	فردگرایی افراطی، فزون‌خواهی، خودخواهی، منفعت‌گرایی، آرزوهای نامحدود، نفع‌طلبی، فردگرایی فایده‌گرا و مادی‌گرا، جهان‌بینی و زبان فردگرا، رؤیای موفقیت مالی، بریدگی از جامعه، بت‌انگاری پول، اولویت یافتن منفعت فردی به خیر اجتماعی، اهمیت موفقیت اقتصادی فردی، میل به بی‌نهایت، شر، شهوات سیری ناپذیر، فرهنگ فردگرا، انسداد هدف زندگی به اقتصاد، پیگیری نشدن اهداف اجتماعی، کاهش کنش دگرخواهانه، سلطه عقلائیت ابزاری، گسست تعلق فرد به جامعه



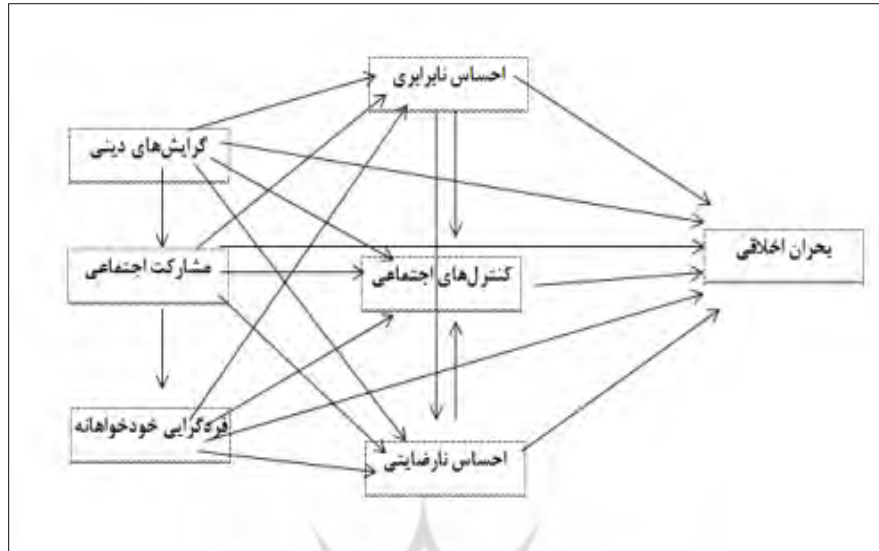
نوع متغیر	نام متغیر	نظریه پرداز	مفاهیم و متغیرهای مورد تأکید
	ضعف کنترل‌های اجتماعی	دورکیم، پارسونز، مرتن، بلا، الکساندر، هاگان، مسنر، روزنفلد، کوثری، جوادی و علمی	جامعه‌پذیری ضعیف، ضعف انتظام اجتماعی، ضعف نهادگرایی، ضعف اهرم‌های کنترل اجتماعی، هم‌نوایی اجباری، تعارض تکالیف و نقش‌ها، ارزش‌ها و هنجارها، فشار ساختاری، تعارض اهداف و وسایل، ضعف قانون، نقض مکرر قانون، قانون‌گریزی، افزایش جرم، انحراف و بزهکاری
	احساس نابرابری	دورکیم، مرتن، رفیع پور، پیران، کوثری، نادری و جاهد	نظام فرصت‌های نابرابر، احساس دست‌نیافتن به اهداف ارزشمند، احساس بی‌عدالتی، نبود قواعد عادلانه
	کاهش گرایش‌های دینی	دورکیم، پارسونز، بلا، الکساندر، گیدنز، مسنر، روزنفلد، برگارد، کوچران، چاملین، رفیع پور، کوثری، نادری و جاهد	ضعف وجدان جمعی، ضعف باورهای دینی، عدم التزام به اخلاق سنتی، کاهش مناسک دینی، تضعیف عشق به خدا و توجه به اخلاق، تضعیف سنت انجیلی و پروتستانیسم، تضعیف انجمن‌های داوطلبانه کلیسایی، سرکوب زندگی اخلاقی، تسلط اقتصاد بر فرهنگ، تابع بازار شدن نهادهای فرهنگی
	احساس نارضایتی	پارسونز، مرتن، مسنر، روزنفلد، اگینو، هاگان، آداناز، شیانی و محمدی	ارضان‌شدن خواسته‌های سیری‌ناپذیر، مطالبات نامحدود و منابع محدود، احساس محرومیت، شکست در دستیابی به اهداف و خواسته‌ها، فاصله گرفتن انتظارات از دستاوردها، کاهش احساس خوشبختی، احساس شکست، و ناامیدی، افزایش فاصله بین آرزوهای فردی و توقعات اجتماعی، طغیان، ناکامی و خشم



نوع متغیر	نام متغیر	نظریه پرداز	مفاهیم و متغیرهای مورد تأکید
	کاهش مشارکت اجتماعی	دورکیم، مرتن، پارسونز، بلا، الکساندر، جوادی و علمی	کاهش حمایت اجتماعی، ضعف تعاملات اجتماعی، ضعف انسجام اجتماعی، تسلط نیروهای گریز از مرکز، قطع پیوندها، ناهم‌نوایی، انزوا و کناره‌گیری، یکپارچگی نامناسب، سوء یکپارچگی، نبود درک مشترک از مشارکت اجتماعی، گسستگی فرد از جامعه، تضعیف سنت جمهوری خواهی، بریدگی از جامعه، ضعف سپهر مدنی، تضعیف انجمن‌های فرهنگی داوطلبانه

از دیدگاه نظریه پردازان آنومی، عوامل چنین بحران اخلاقی در کلان‌ترین سطح، تغییرات سریع و شتابان و غیرهدفمند اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جوامع به‌ویژه در مراحل گذار است. نتیجه این تغییرات سریع بر اساس ادبیات نظری و پیشینه تجربی پژوهش در سطح خرد، خود را به صورت شدت و ضعف فردگرایی خودخواهانه، مشارکت اجتماعی، گرایش‌های دینی، کنترل‌های اجتماعی، احساس نابرابری و احساس نارضایتی نشان می‌دهد. این تغییرات، بر اساس مفروضات این پژوهش، بیشترین تأثیر را در تلقی شهروندان از بحران اخلاقی در جامعه ایران دارند. بر مبنای چهارچوب بالا، الگوی نظری تحقیق به قرار زیر است:





شکل ۱: الگوی نظری تحقیق (نگارنده)

روش تحقیق

روش تحقیق، پیمایش است و در کنار آن، از مطالعات اسنادی برای سنجش شاخص‌های عینی و ساختاری بحران اخلاقی و نیز ادبیات نظری تحقیق استفاده شده است. در روش پیمایش، ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسش‌نامه محقق ساخته بوده است. پرسش‌نامه از دوازده طیف پنج‌گزینه‌ای لیکرت که هر یک بین پنج تا سیزده گویه داشته‌اند، تشکیل شده و با توجه به پیچیدگی طیف‌ها و حساسیت موضوع اخلاق و بحران اخلاقی، پرسش‌نامه به شکل مصاحبه اجرا شده است. قابلیت اعتبار ابزار سنجش با استفاده از روش اعتبار صوری و مراجعه به استادان راهنما و مشاور و دیگر محققان و صاحب‌نظران تأمین شده است.

برای بررسی روایی پرسش‌نامه، تست مقدماتی پرسش‌نامه انجام شد و بر اساس ضریب آلفای کرونباخ، پایایی دوازده مقیاس پژوهش بین ۰/۶۱ تا ۰/۸۶ بوده است.



جدول ۲: ضریب پایایی مقیاس‌ها

متغیر	تعداد پاسخ‌گو	تعداد گویه	ضریب آلفای کل طیف
متغیر وابسته و ابعاد آن	بی‌هنجاری	۳۸۶	۰/۸۶
	تعارض‌هنجاری	۳۹۴	۰/۷۹
	ضعف‌هنجاری	۳۹۳	۰/۸۰
	ضعف اخلاقی مردم	۳۹۵	۰/۸۰
	ضعف اخلاقی مسئولان	۳۸۹	۰/۸۳
	ضعف اخلاقی پاسخ‌گو	۳۹۴	۰/۸۳
	احساس نارضایتی	۳۹۸	۰/۶۱
متغیرهای مستقل	احساس نابرابری	۳۹۳	۰/۶۵
	فردگرایی خودخواهانه	۳۹۳	۰/۶۴
	احساس ضعف کنترل‌های اجتماعی	۳۹۳	۰/۸۷
	ضعف گرایش‌های دینی	۳۷۳	۰/۷۹
	کاهش مشارکت اجتماعی	۳۸۰	۰/۷۵

در این پژوهش، در کنار پرسش‌نامه از داده‌های ثانویه آماری به‌عنوان شاخصی عینی و ساختاری برای سنجش وضعیت اخلاقی جامعه و همچنین، مشخص کردن میزان اعتبار ارزیابی پاسخ‌گویان از وضعیت اخلاقی جامعه استفاده شده است. داده‌های آماری شامل شاخص‌های تعداد پرونده‌های دعاوی قضایی، زندانیان، خودکشی، سرقت، طلاق و نیز



رتبه بین‌المللی فساد، ساعات کار مفید و میزان تعهد کاری طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۴ است.

جامعه آماری

جامعه آماری این تحقیق، شهروندان تهرانی هجده سال به بالا هستند. بنا بر نتایج سرشماری سال ۱۳۹۵، جمعیت شهر تهران ۸/۶ میلیون نفر است که ۶/۷ میلیون نفر آن‌ها در سنین هجده سال به بالا قرار دارند. با توجه به بعد ۳/۱ خانوار در تهران، این تعداد دو میلیون خانوار را تشکیل می‌دهند. بر اساس این تصویر از جامعه آماری، برای تعیین حجم نمونه آماری تحقیق از فرمول کوکران استفاده شده است.

در فرمول کوکران، مقدار p و q در این تحقیق ۰/۵ در نظر گرفته شده است؛ بنابراین، واریانس صفت مورد بررسی در حداکثر مقدار خود در نظر گرفته شده است که موجب افزایش حداکثری حجم نمونه می‌شود. بر این مبنا حجم نمونه در این تحقیق، ۳۸۴ نفر برآورد شده است که برای اطمینان بیشتر و مقابله با خطاهای احتمالی، از قبیل ریزش نمونه و پرسش‌نامه‌های ناقص، این حجم به چهارصد نفر افزایش یافت.

جدول ۳: جمعیت نمونه تحقیق

شهر	گونه‌بندی مناطق برحسب رفاه اقتصادی اجتماعی	مناطق انتخابی	بلوک-محله	تعداد نمونه
تهران	بالا	۳	سیدخندان، ظفر، قلهک	۱۴۰
	متوسط	۸	تهران پارس، مجیدیه جنوبی، نارمک	۱۶۰
	پایین	۱۹	خانی آباد، دولت‌خواه، شکوفه	۱۰۰
	کل	۳		۴۰۰



نمونه‌گیری به‌روش خوشه‌ای چندمرحله‌ای انجام شد. در این نمونه‌گیری، در مرحله اول «خوشه‌ها» انتخاب و در مراحل بعدی، از هر خوشه «افراد» به تصادف انتخاب می‌شوند.

در این پژوهش با توجه به گستردگی جغرافیایی و نیز ناهمگونی مناطق شهر تهران از نظر وضعیت اقتصادی اجتماعی، با توجه به رتبه‌بندی مناطق ۲۲ گانه شهر تهران بر حسب سطح رفاه اقتصادی اجتماعی (سریرافراز، ۱۳۸۹، ص ۸۵-۱۰۶)، ابتدا از هریک از مناطق بالا، متوسط و پایین شهر تهران از نظر سطح رفاهی، به شکل تصادفی، یک منطقه (به ترتیب مناطق ۳، ۸ و ۱۹) انتخاب شد.

در مرحله بعد از هریک از این مناطق سه بلوک-محل شامل سیدخندان، ظفر، قلهک (منطقه ۳)، تهران پارس، مجیدیه جنوبی، نارمک (منطقه ۸) و خانی‌آباد، دولت‌خواه، شکوفه (منطقه ۱۹) به قید قرعه انتخاب شدند. سپس متناسب با حجم جمعیت و نسبت نمونه‌گیری در هر منطقه، در بلوک‌ها به‌طور تصادفی به پلاک‌ها مراجعه شد و از هر پنج پلاک یا واحد، با یکی از ساکنان هجده سال به بالا به تناسب از هر دو جنس، پرسش‌نامه به روش مصاحبه تکمیل شد.

تعریف مفاهیم و متغیرها

۱. بحران اخلاقی

بحران اخلاقی، وضعیتی است که در آن، جامعه فاقد قواعد و هنجارهای مشترک انتظام‌بخش کنش‌ها و رفتارهاست و دچار تعارض و ضعف این قواعد شده است؛ به طوری که جامعه گرفتار بی‌انسجامی و بی‌نظمی است و اکثریت کنشگران، سردرگم و بلا تکلیف‌اند یا به تخطی مکرر از قواعد و قوانین روی می‌آورند (Durkeim, 1951, p. 250؛ دورکیم، ۱۳۶۰، ص ۹۴-۹۵؛ همو، ۱۳۶۹، ص ۸-۱۱). با چنین درک و دریافتی، بحران اخلاقی، صفت یک وضعیت و یک





جامعه است و بی‌هنجاری، تعارض هنجاری و ضعف هنجاری، سه شاخص اصلی بحران اخلاقی محسوب می‌شوند. بحران اخلاقی در این پژوهش با دو شاخص سنجیده شده است:

- شاخص ذهنی: دورکیم، قواعد و هنجارهای اخلاقی را از جنس اعتباریات می‌داند که بر مبنای اتفاق نظر جمعی و پذیرش از سوی افراد شکل می‌گیرد و از هیچ واقعیت بیرونی حکایت نمی‌کند (دورکیم، ۱۳۶۹، ص ۹۳-۹۲). بُعد ذهنی بحران اخلاقی در این پژوهش با توجه به ابعاد سازه بحران اخلاقی با ارزیابی شهروندان از میزان احساس بی‌هنجاری، تعارض هنجاری، ضعف هنجاری و ضعف اخلاقی مردم، مسئولان و پاسخ‌گویان با شش مقیاس سنجش شد که هر یک بین نه تا سیزده گویه داشتند و دامنه تغییر نمرات آن‌ها بین ۱ تا ۵ بود.

- شاخص عینی: بُعد عینی به واقعیت پدیده بحران اخلاقی در سطح کلان جامعه اشاره دارد. دورکیم در این سطح، نظام‌های حقوقی و قوانین را شاخص ملموس و عینی قواعد و هنجارهای اخلاقی می‌داند و معتقد است جامعه‌ای که مدام با نادیده گرفتن قوانین از سوی افراد مواجه می‌شود، جامعه‌ای در حال گذار و گرفتار بحران اخلاقی است (دورکیم، ۱۳۸۳، ص ۱۱۰). بر مبنای چنین شاخصی، در این پژوهش در بُعد عینی، آمار و اسناد رسمی ملی و بین‌المللی مؤید تخطی از قوانین و قواعد و هنجارهای اخلاقی در سطح جامعه، بررسی و تحلیل شد. معرف‌های آماری وضعیت اخلاقی جامعه در این پژوهش شامل آمار پرونده‌های دعاوی قضایی، زندانیان، خودکشی، سرقت، طلاق، رتبه بین‌المللی فساد و نیز ساعات کار مفید و میزان تعهد کاری بوده است.

۱.۱. بی‌هنجاری

بی‌هنجاری در این پژوهش به معنی نبودن قواعد مشترک انتظام بخش کنش‌ها و رفتار یا نبود اتفاق نظر درباره مقبولیت، مشروعیت و مطلوبیت این قواعد است؛

به گونه‌ای که افراد در امور مختلف زندگی اجتماعی احساس سردرگمی و بلا تکلیفی کرده یا از قواعد نامشترک شخصی پیروی کنند (کوزر و روزنبرگ، ۱۳۷۸، ص ۴۰۱-۴۰۳؛ آبرکرامبی، ۱۳۶۷، ص ۳۵-۳۶؛ بیرو، ۱۳۷۰، ص ۱۶؛ کوئن، ۱۳۷۵، ص ۲۷۹). بی‌هنجاری با یک مقیاس پنج‌گزینه‌ای مرکب از سیزده گویه که دامنه تغییر نمرات آن بین ۱ تا ۵ بود، سنجیده شده است.

۲.۱. تعارض هنجاری

تعارض هنجاری در این پژوهش به معنی تعارض دو یا چند قاعده و هنجار انتظام‌بخش کنش‌ها و رفتارها با هم یا تعارض این قواعد با واقعیات اجتماعی است (چلبی، ۱۳۷۵، ص ۴۲؛ معیدفر، ۱۳۸۵، ص ۱۹۵؛ ستوده، ۱۳۷۲، صص ۱۲۹ و ۴۹-۵۰). تعارض هنجاری با یک مقیاس پنج‌گزینه‌ای مرکب از نه گویه که دامنه تغییر نمرات آن بین ۱ تا ۵ بود، سنجیده شده است.

۳.۱. ضعف هنجاری

ضعف هنجاری در این پژوهش به معنی نقصان علقه اجتماعی و کاهش تعهد به هنجارها و قواعد انتظام‌بخش کنش‌ها و رفتار در میان اکثریت افراد جامعه است؛ به طوری که افراد خود را ملزم به رعایت قواعد نمی‌بینند و در بیشتر اوقات قواعد و هنجارها را نقض می‌کنند (دورکیم، ۱۳۶۰، ص ۹۴-۹۵؛ همو، ۱۳۹۴، ص ۹-۱۲؛ چلبی، ۱۳۷۵، ص ۱۸).

ضعف هنجاری با چهار خرده‌طیف سنجیده شده است. طیف ضعف هنجاری با نه گویه، طیف ضعف اخلاقی مردم، طیف ضعف اخلاقی مسئولان و طیف ضعف اخلاقی فرد پاسخ‌گو که هریک میزان رواج سیزده صفت اخلاقی (شامل راست‌گویی، اعتماد، عدالت و انصاف، امانت‌داری، پابندی به قول و قرار، کمک و خیرخواهی، دروغ‌گویی، تظاهر و دورویی، تملق و چاپلوسی، خودخواهی،



تبعیض، قانون شکنی و پارتی بازی) را سنجیده‌اند. میانگین مجموع این چهار طیف که دامنه تغییر نمرات آن‌ها بین ۱ تا ۵ است، مقیاس کلی ضعف هنجاری را تشکیل می‌دهد.

۲. فردگرایی

دور کیم بین دو نوع فردگرایی تمایز قائل می‌شود: فردگرایی اخلاقی و دگرخواهانه و فردگرایی خودخواهانه. در فردگرایی خودخواهانه، از آنجا که افراد در پی ارضای هرچه بیشتر خواسته‌ها و شهوات سیری‌ناپذیر خود هستند، التزامی به قواعد اخلاقی وجود ندارد و هیچ قاعده و قانونی قادر نیست بر میل زیاده‌خواهانه آن‌ها لگام بزند (دور کیم، ۱۳۷۸، صص ۱۶۱ و ۲۳۲؛ کیویستو، ۱۳۸۶، ص ۱۴۰). در این پژوهش، سویه منفی یا نوع خودخواهانه فردگرایی با پرسش از میزان نفع طلبی مردم، مسئولان و خود پاسخ‌گویان با سه شاخص نفع طلبی و ترجیح نفع شخصی، اهمیت موفقیت مالی و بت‌وارگی پول و باور به اصل موفقیت به هر قیمتی، با یک مقیاس هشت‌گویه‌ای که دامنه تغییر نمرات آن بین ۱ تا ۵ بود، سنجیده شده است.

۳. نابرابری

نابرابری اجتماعی، وضعیتی است که در چهارچوب آن، انسان‌ها دسترسی نابرابری به منابع، فرصت‌ها، خدمات و موقعیت‌های جامعه دارند (زاهدی، ۱۳۸۵، ص ۴۰). در این پژوهش، احساس نابرابری شهروندان با سه شاخص احساس نابرابری قوانین، احساس توزیع نابرابر فرصت‌ها و منابع و احساس محرومیت نسبی، با یک مقیاس شش‌گویه‌ای که دامنه تغییر نمرات آن بین ۱ تا ۵ بود، سنجیده شده است.



۴. مشارکت اجتماعی

مشارکت به معنی به کار گرفتن منابع شخصی به منظور سهیم شدن در یک اقدام جمعی، عملی آگاهانه و داوطلبانه است که در بردارنده دخالت شهروندان در امور عمومی و در سطوح مختلف تصمیم گیری های اداری، سیاسی و اجتماعی برای تأمین منافع اجتماعی است (میلر، ۱۳۸۰، ص ۵۴۹ و ۵۹۹؛ محسنی تبریزی، ۱۳۶۹، ص ۱۰۸). مشارکت اجتماعی در این پژوهش با چهار شاخص میزان شرکت در انتخابات، مشارکت و فعالیت در احزاب و تشکل های سیاسی، مشارکت و فعالیت در تشکل ها و اتحادیه های صنفی و مشارکت و فعالیت در انجمن های محلی و سازمان ها مدنی و غیردولتی با یک مقیاس هشت گویه ای که دامنه تغییر نمرات آن بین ۱ تا ۵ بود، سنجیده شده است.

۵. گرایش های دینی

دین، نظامی از باورها، ارزش ها، هنجارها و مناسک و اعمال مشترک و مقدس است که با جهت دهی به کنش ها موجبات هم بستگی پیروان را در قالب یک اجتماع اخلاقی فراهم می کند (دورکیم، ۱۳۸۳، ص ۶۳). در این پژوهش، میزان اقتدار گرایش های دینی پشتوانه قواعد اخلاقی از منظر شهروندان و نیز میزان مشارکت آن ها در مناسک جمعی دینی چون نماز جماعت، نماز جمعه، عزاداری های عاشورا و جشن های نیمه شعبان با یک مقیاس یازده گویه ای که دامنه تغییر نمرات آن بین ۱ تا ۵ بود، سنجیده شده است.

۶. کنترل های اجتماعی

کنترل اجتماعی، همه راه ها، شیوه ها و ابزارهایی است که برای واداشتن افراد به انطباق با انتظارات و رعایت چشم داشت های جامعه یا یک گروه معین به کار برده می شود (کوئن، ۱۳۷۵، ص ۲۵۳؛ بیرو، ۱۳۷۰، ص ۴۸۰). احساس ضعف کنترل های



اجتماعی در این پژوهش با پرسش از پاسخ‌گویان درباره میزان اقتدار قانون، سازمان‌ها و دستگاه‌ها مجری آن و نیز میزان اهمال و آسان‌گیری در اجرای قانون با یک مقیاس شش‌گویه‌ای که دامنه تغییر نمرات آن بین ۱ تا ۵ بود، سنجیده شده است.

۷. احساس نارضایتی اجتماعی

شکاف بین اهداف و آرمان‌ها با واقعیت و دستاوردها هسته اصلی تعریف نارضایتی را تشکیل می‌دهد؛ فاصله بین آنچه می‌خواهیم و خود را مستحق آن می‌دانیم با آنچه در عمل به دست می‌آوریم.

بر همین اساس، احساس نارضایتی را اختلاف ادراک شده بین آرزو (وضعیت مطلوب موردانتظار) و تحقق آرزو (وضعیت موجود) تعریف کرده‌اند (از کمپ، ۱۳۷۰، ص ۲۵۷). احساس نارضایتی با سنجش میزان ناخشنودی شهروندان از وضعیت موجود کشور (به‌طور کلی)، عملکرد و کارآمدی مسئولان و دستگاه‌ها دولتی و نیز دستاوردهای زندگی شخصی در مقایسه با وضعیت مطلوب موردانتظار با یک مقیاس پنج‌گویه‌ای که دامنه تغییر نمرات آن بین ۱ تا ۵ بود، سنجیده شده است.

یافته‌ها

۱. توصیف

متغیرهای زمینه‌ای

توزیع پاسخ‌گویان برحسب جنسیت نشان می‌دهد ۵۷/۲ درصد پاسخ‌گویان مرد و ۴۲/۸ درصد زن بوده‌اند. از نظر تحصیلات، ۱۰/۸ درصد پاسخ‌گویان زیر دیپلم، ۴۹/۹ درصد آن‌ها دیپلم و فوق‌دیپلم و ۳۹/۳ درصد تحصیلات کارشناسی و بالاتر داشته‌اند.



از نظر وضعیت فعالیت، ۷۴/۴ درصد پاسخ‌گویان شاغل، ۳/۳ درصد بیکار و ۲۲/۳ درصد محصل، دانشجو، خانه‌دار یا سرباز بوده‌اند. از نظر درآمد، ۵۰/۸ درصد کمتر از دو میلیون، ۴۰/۵ درصد دو تا پنج میلیون و ۸/۷ درصد بیش از پنج میلیون تومان در ماه درآمد داشته‌اند. توزیع پاسخ‌گویان از نظر تقیدات دینی نشان می‌دهد ۳۸ درصد خود را به میزان زیاد و خیلی زیاد پایبند احکام و فرایض دینی می‌دانند، ۳۸/۷ درصد پایبندی خود را متوسط و ۲۳/۳ درصد کم و خیلی کم اعلام کرده‌اند.

بحران اخلاقی

یافته‌های توصیفی نشان می‌دهد ۹۳/۷ درصد پاسخ‌گویان بحران اخلاقی در جامعه را به میزان زیاد و خیلی زیاد، ۶/۱ درصد متوسط و ۰/۳ درصد کم و خیلی کم ارزیابی کرده‌اند. میانگین نمره بحران اخلاقی (در دامنه ۱ تا ۵) اساس ۴/۱۴ و انحراف معیار آن ۰/۵۱۱ است.

یافته‌ها درباره سه شاخص اصلی سازنده بحران اخلاقی نشان می‌دهد ۹۲ درصد پاسخ‌گویان میزان بی‌هنجاری در جامعه را زیاد و خیلی زیاد ارزیابی کرده‌اند و میانگین بی‌هنجاری ۴/۳ است. ۸۶/۸ درصد پاسخ‌گویان، تعارض و تضاد هنجارهای اخلاقی و رفتاری را زیاد و خیلی زیاد ارزیابی کرده‌اند و میانگین تعارض هنجاری ۴/۱ است. ۸۷/۲ درصد پاسخ‌گویان ضعف هنجاری و پایبند نبودن و تخطی از هنجارهای اخلاقی و رفتاری در جامعه را زیاد و خیلی زیاد ارزیابی کرده‌اند و میانگین ضعف هنجاری ۴ است.

بدین ترتیب، می‌توان گفت بیشتر پاسخ‌گویان درباره مطلوبیت و مشروعیت هنجارهای اخلاقی دچار تردید هستند، قواعد و هنجارهای اخلاقی مشروع و مطلوبی را که مورد اجماع باشد، پیش روی خود نمی‌بینند و در دوراهی‌ها و چندراهی‌های زندگی اجتماعی در بی‌هنجاری، سردرگمی و بلاتکلیفی به سر می‌برند. پاسخ‌گویان



قواعد و هنجارهای اخلاقی موجود را متعارض با یکدیگر می‌بینند؛ به طوری که عمل به یکی موجب نقض و شکستن دیگری خواهد شد یا عمل به قواعد اخلاقی موجود با واقعیات و مقتضیات اجتماعی متعارض است؛ در نتیجه، هنجارهای اخلاقی، قدرت سامان‌دهی و نظم‌بخشی به کنش‌ها و رفتارها را ندارند؛ به طوری که اکثر افراد خود را به رعایت قواعد اخلاقی ملزم نمی‌بینند و به طور مکرر آن‌ها را نقض می‌کنند.

عوامل بحران اخلاقی

یافته‌ها نشان می‌دهد ۹۳ درصد پاسخ‌گویان فرد‌گرایی خودخواهانه، ۸۸/۴ درصد احساس نابرابری، ۵۰/۸ درصد ضعف گرایش‌های دینی، ۸۲/۴ درصد ضعف کنترل‌های اجتماعی، ۸۷/۸ درصد احساس نارضایتی و ۵۹/۳ درصد کاهش مشارکت اجتماعی را در جامعه، زیاد و خیلی زیاد ارزیابی کرده‌اند.

جدول ۴: نتایج نگرش پاسخ‌گویان درباره عوامل اجتماعی مؤثر بر بحران اخلاق (%)

متغیر	زیاد	متوسط	کم	میانگین (دامنه ۱-۵)	انحراف معیار
فرد‌گرایی	۹۳	۷	۰	۴/۲	۰/۵۵
احساس نابرابری	۸۸/۴	۱۱/۳	۰/۳	۴/۲	۰/۶۳
ضعف دین‌داری	۵۰/۸	۴۳	۶/۲	۳/۶	۰/۷۸
ضعف کنترل‌های اجتماعی	۸۲/۴	۱۵/۵	۲/۱	۴/۲	۰/۷۷
احساس نارضایتی	۸۷/۸	۱۱/۷	۰/۵	۴/۳	۰/۶۸
کاهش مشارکت اجتماعی	۵۹/۲	۳۲/۵	۸/۳	۳/۷	۰/۸۸



۲. تحلیل

ارزیابی بحران اخلاقی در جامعه

ارزیابی ذهنی از بحران اخلاقی

یافته‌های توصیفی از وضعیت بحرانی اخلاق در جامعه از دیدگاه شهروندان حکایت داشت. حال باید مشخص کرد آیا این نتیجه را آزمون‌های آماری تأیید می‌کنند؟ برای این کار از آزمون T تک‌نمونه‌ای استفاده شده است.

در این آزمون برای تعیین میانگین موردانتظارنمره بحران اخلاقی به نتایج تحقیقات آنومی در سطح ملی و شهر تهران از سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۶ مراجعه شد. میانگین آنومی طی این سال‌ها بر اساس یافته‌های پژوهشی ۶۰ درصد است که بر مبنای طیف ۱ تا ۵، میانگین موردانتظار نمره بحران اخلاقی ۳ خواهد بود.

چنانچه حداکثر میزان آنومی در پژوهش‌های ملی را هم در نظر بگیریم، بر اساس طیف ۱ تا ۵، میانگین موردانتظار نمره بحران اخلاقی حداکثر ۳/۵ خواهد بود. نتایج آزمون T نشان می‌دهد میانگین ارزیابی پاسخ‌گویان از بحران اخلاقی در جامعه تفاوت معنی‌داری با میانگین موردانتظار (۳/۵) دارد.

جدول ۵: آماره‌های T تک‌نمونه‌ای بحران اخلاقی

خطای معیار میانگین	انحراف معیار	میانگین	تعداد
۱۰۲۵۷۶	۵۱۱۳۳	۴/۱۴۴۷	۳۹۴



جدول ۶: آزمون T تک‌نمونه‌ای بحران اخلاقی

مقدار موردانتظار آزمون $T = 3/5$						
بحران اخلاقی	مقدار T	درجه آزادی	سطح معنی‌داری	تفاوت میانگین گروه‌ها	تفاوت فاصله اطمینان در سطح ۹۵ درصد	
					حداقل	حداکثر
					۲۵/۰۲۶	۳۹۳

($p < .000$ و $df = 393$ و $t = 25/026$). میانگین ارزیابی پاس‌خ‌گویان از بحران اخلاقی ۴/۱۴ به دست آمده است که به‌طور معنی‌داری بیشتر از میانگین موردانتظار بحران اخلاقی در جامعه (۳/۵) است. آزمون T برای هر یک از سه شاخص سازنده بحران اخلاقی یعنی بی‌هنجاری، تعارض هنجاری و ضعف هنجاری نیز انجام شد و میانگین هر سه شاخص، بیشتر از میانگین موردانتظار (۳/۵) بحران اخلاقی در جامعه و بنابراین، مؤید بحرانی بودن وضعیت اخلاقی جامعه از دیدگاه شهروندان است.

ارزیابی عینی از بحران اخلاقی

علاوه بر داورها و ارزیابی‌های ذهنی، واقعیات عینی و ساختاری و شواهد آماری نیز از وضعیت بحرانی اخلاق در جامعه حکایت دارد. تعداد دعاوی و پرونده‌های قضایی در کشور از ۵/۵ میلیون پرونده در سال ۱۳۸۰ به یازده میلیون پرونده در سال ۱۳۹۰ و بیش از پانزده میلیون پرونده در سال ۱۳۹۵ رسید که یک‌چهارم (۲۵ درصد) این پرونده‌ها به تهران مربوط است.

طی همین مدت، تعداد پرونده‌ها به‌ازای هر هزار نفر از ۸۴ پرونده به ۱۸۹ پرونده رسیده که با توجه به وجود دو طرف در هر پرونده و بُعد خانوار در کشور،



فاجعه‌بار است و نشان می‌دهد همه خانوارهای کشور به نوعی درگیر یک پرونده در محاکم دادگستری و در مظان اتهام تخطی از قواعد و هنجارهای اخلاقی و قانونی قرار دارند.

جدول ۷: تعداد پرونده‌های دعاوی قضایی ۱۳۸۰-۱۳۹۵

سال	شاخص	۱۳۸۰	۱۳۸۵	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵
تعداد دعاوی و پرونده‌ها (هزار پرونده) ^۱	۵۴۶۳	۱۰۱۵۷	۱۱۰۲۷	۱۱۶۲۷	۱۱۸۷۹	۱۱۵۰۰	۱۴۴۷۸	۱۵۱۴۸	
جمعیت کشور (میلیون نفر)	۶۵/۲	۷۰/۵	۷۵/۱	۷۶	۷۷	۷۷/۸	۷۸/۹	۷۹/۹	
تعداد پرونده به ازای هزار نفر	۸۴	۱۴۴	۱۴۷	۱۵۳	۱۵۴	۱۴۸	۱۸۳	۱۸۹	

این آمارها همچنین نشان می‌دهد سالانه حدود ششصد هزار نفر به زندان می‌روند (رحمانی‌فضلی، ۱۳۹۵). سال ۱۳۹۴ نرخ زندانی در کشور ۲۹۰ نفر به ازای هر صد هزار نفر بوده و ایران جزو ده کشور اول جهان از نظر تعداد زندانیان است (World prison studies, 2014). تهران از نظر تعداد زندانی نیز در صدر استان‌های کشور قرار دارد؛ به طوری که یک پنجم زندانیان کشور در تهران هستند.

۱. آمار سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۲ از سالنامه آماری سال ۱۳۹۴، آمار سال ۱۳۹۳ از گزارش حجت‌الاسلام شهبازی رئیس وقت مرکز آمار و فناوری اطلاعات قوه قضاییه و آمار سال‌های ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵ از گزارش آیت‌الله آملی لاریجانی رئیس وقت قوه قضاییه و حجت‌الاسلام پورمحمدی، وزیر وقت دادگستری، استخراج شده‌اند.



جدول ۸: وضعیت زندانیان در ایران طی دوره ۱۳۸۵-۱۳۹۴

سال	شاخص	
	تعداد زندانیان (به‌ازای هزار نفر) ^۱	نرخ زندانی (به‌ازای هر صد هزار نفر)
۱۳۸۵	۱۴۷	۲۱۴
۱۳۸۶	۱۵۸	۲۲۲
۱۳۸۷	۱۶۵	۲۳۰
۱۳۸۸	۱۷۳	۲۴۳
۱۳۸۹	۲۰۰	۲۷۰
۱۳۹۰	۲۳۰	۳۰۶
۱۳۹۱	۲۵۰	۳۲۳
۱۳۹۲	۲۱۷	۲۷۸
۱۳۹۳	۲۱۰	۲۷۰
۱۳۹۴	۲۲۸	۲۹۰

از دیدگاه دور‌کیم، افزایش خودکشی، شاخص وضعیت آنومیک و بحرانی جامعه است. آمارهای رسمی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۴ نشان می‌دهد روند خودکشی در کشور رو به افزایش است. طی این مدت، ۴۳۵۵۰ نفر (مرد و زن) در کشور اقدام به خودکشی کرده‌اند که از این تعداد ۱۷۴۲۱ نفر جان داده‌اند.

بر اساس همین آمار، نرخ خودکشی از هشت نفر در هر صد هزار نفر در سال ۱۳۸۰ به ده نفر در سال ۱۳۹۴ افزایش یافته است. آمار خودکشی در تهران با وجود نوسانات نزدیک به میانگین کشوری است؛ اما شیب خودکشی‌های آنومیک و خودخواهانه در تهران رو به افزایش بوده است.



1. Prison Studies.org, 2014, Website

جدول ۹: وضعیت خودکشی در ایران طی دوره ۱۳۸۰-۱۳۹۴

شاخص	سال	۱۳۸۰	۱۳۸۵	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴
تعداد خودکشی ^۱		۵۲۶۰	۵۹۴۹	۵۷۷۷	۵۹۴۵	۶۱۳۰	۶۵۳۵	۷۹۵۴
نرخ خودکشی (به ازای صد هزار نفر)		۸	۸/۴	۷/۷	۷/۸	۸	۸/۴	۱۰/۱

آمار سرقت به عنوان مهم ترین جرم علیه اموال و مالکیت می تواند نشان دهنده نقض قواعد اجتماعی انتظام بخش در حوزه اقتصادی اجتماعی باشد. بنا بر آمار رسمی نیروی انتظامی طی سال های ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۴، سرقت خودرو در ایران چهار برابر، سرقت از اماکن دولتی دو برابر و سرقت از منازل و مراکز تجاری ۱/۵ برابر رشد داشته است. تهران با ۳۶ درصد سرقت در سال ۱۳۹۵، در صدر استان های کشور از نظر آمار سرقت قرار داشته است؛ به نحوی که نرخ سرقت در این شهر به ازای هر صد هزار نفر تا ۱۵۰۰ فقره می رسد. نرخ سرقت در ایران در سال ۱۳۸۰ به ازای هر صد هزار نفر ۲۴۹ فقره بوده که در سال ۱۳۹۴ به حدود هزار فقره (۹۸۱) رسیده است.

^۱. طبق سالنامه آماری سال های ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴



جدول ۱۰: وضعیت سرقت در ایران طی دوره ۱۳۸۰-۱۳۹۴

شاخص	سال
تعداد سرقت (هزار پرونده) ^۱	۱۳۸۰
نرخ سرقت (به ازای هر صد هزار نفر)	۱۳۸۰
	۱۳۸۵
	۱۳۸۹
	۱۳۹۰
	۱۳۹۱
	۱۳۹۲
	۱۳۹۳
	۱۳۹۴

آمار طلاق و ازهم گسیختگی خانواده، به عنوان یکی از مهم ترین شاخص های وضعیت آنومیک، در کشور رو به افزایش است.

این نسبت از یک طلاق به ازای هر ۱۰/۴ ازدواج در سال ۱۳۸۳ به یک طلاق در مقابل ۷/۱ ازدواج در سال ۱۳۸۸ و یک طلاق در برابر ۴/۲ ازدواج در سال ۱۳۹۴ رسیده است؛ به طوری که در هر ساعت نوزده طلاق در کشور رسماً ثبت شده است.

این آمار در تهران، به عنوان مرکز و پرجمعیت ترین شهر کشور، فاجعه بار است؛ به نحوی که از هر ۲/۵ ازدواج یکی به طلاق می انجامد.



جدول ۱۱: وضعیت طلاق در ایران طی دوره ۱۳۸۳-۱۳۹۴

شاخص	سال
نسبت ازدواج به طلاق	۱۳۸۳
طلاق (هزار پرونده)	۱۳۸۳
ازدواج (هزار پرونده) ^۱	۱۳۸۳
نسبت ازدواج به طلاق	۱۳۸۴
طلاق (هزار پرونده)	۱۳۸۴
ازدواج (هزار پرونده) ^۱	۱۳۸۴
نسبت ازدواج به طلاق	۱۳۸۵
طلاق (هزار پرونده)	۱۳۸۵
ازدواج (هزار پرونده) ^۱	۱۳۸۵
نسبت ازدواج به طلاق	۱۳۸۶
طلاق (هزار پرونده)	۱۳۸۶
ازدواج (هزار پرونده) ^۱	۱۳۸۶
نسبت ازدواج به طلاق	۱۳۸۷
طلاق (هزار پرونده)	۱۳۸۷
ازدواج (هزار پرونده) ^۱	۱۳۸۷
نسبت ازدواج به طلاق	۱۳۸۸
طلاق (هزار پرونده)	۱۳۸۸
ازدواج (هزار پرونده) ^۱	۱۳۸۸
نسبت ازدواج به طلاق	۱۳۸۹
طلاق (هزار پرونده)	۱۳۸۹
ازدواج (هزار پرونده) ^۱	۱۳۸۹
نسبت ازدواج به طلاق	۱۳۹۰
طلاق (هزار پرونده)	۱۳۹۰
ازدواج (هزار پرونده) ^۱	۱۳۹۰
نسبت ازدواج به طلاق	۱۳۹۱
طلاق (هزار پرونده)	۱۳۹۱
ازدواج (هزار پرونده) ^۱	۱۳۹۱
نسبت ازدواج به طلاق	۱۳۹۲
طلاق (هزار پرونده)	۱۳۹۲
ازدواج (هزار پرونده) ^۱	۱۳۹۲
نسبت ازدواج به طلاق	۱۳۹۳
طلاق (هزار پرونده)	۱۳۹۳
ازدواج (هزار پرونده) ^۱	۱۳۹۳
نسبت ازدواج به طلاق	۱۳۹۴
طلاق (هزار پرونده)	۱۳۹۴
ازدواج (هزار پرونده) ^۱	۱۳۹۴

همچنین بنا بر اعلام سازمان شفافیت بین‌المللی (International Transparency Organization)، بر اساس شاخص ادراک فساد (Corruptions Perception Index (CPI)) (عددی بین ۰ تا ۱۰ است و کشورهای دارای کمترین نمره، بالاترین درجه فساد را دارند)، نمره فساد در کشور ۲/۷ و نزدیک به قعر جدول و رتبه ایران نیز بین ۱۶۸ کشور جهان، ۱۳۰ است (International Transparency.CPI, 2016). این وضعیت از نظر شاخص ادراک فساد، حاکی از فساد گسترده و نقض مکرر قواعد قانونی و ارزش‌های اخلاقی در سطوح کلان‌نهادی و ضعف و ناکارآمدی ساختار سیاسی، اقتصادی و حقوقی است.

۱. سازمان ثبت احوال کشور، ۱۳۸۴-۱۳۹۵



جدول ۱۲: وضعیت ایران از نظر شاخص ادراک فساد طی دوره ۱۳۸۲-۱۳۹۴

سال شاخص	ادراک فساد	رتبه ایران	تعداد کشورها
۱۳۹۴	۲/۷	۱۳۰	۱۶۸
۱۳۹۳	۲/۷	۱۳۶	۱۷۵
۱۳۹۲	۲/۵	۱۴۴	۱۷۶
۱۳۹۱	۲/۸	۱۳۳	۱۷۶
۱۳۹۰	۲/۷	۱۲۰	۱۷۶
۱۳۸۹	۲/۲	۱۴۶	۱۷۸
۱۳۸۸	۲/۸	۱۶۸	۱۸۰
۱۳۸۷	۲/۳	۱۴۱	۱۸۰
۱۳۸۶	۲/۵	۱۳۱	۱۷۹
۱۳۸۵	۲/۷	۱۰۵	۱۶۳
۱۳۸۴	۲/۹	۹۳	۱۵۹
۱۳۸۳	۲/۹	۸۸	۱۴۶
۱۳۸۲	۳	۷۸	۱۳۳

از نظر وجدان کاری نیز با وجود قانون ۴۴ ساعت کار در هفته، میزان ساعت کار مفید در ایران روزانه کمتر از دو ساعت، هفته‌ای یازده ساعت و سالانه فقط هشتصد ساعت است (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۱).

در مجموع، ارزیابی‌ها و داوری‌های ذهنی شهروندان از وضعیت اخلاقی جامعه در کنار شواهد عینی و ساختاری، از وضعیت بحرانی اخلاق در قلمروهای اساسی زندگی اجتماعی (خانواده، کار و جامعه) حکایت دارد.

عوامل اجتماعی مؤثر بر بحران اخلاقی

تلقی بحرانی از وضعیت اخلاقی جامعه از سوی شهروندان این سؤال را پیش می‌کشد که عوامل اجتماعی مؤثر بر چنین طرز تلقی‌ای چیست؟ پاسخ این سؤال که هدف دوم این پژوهش است، از طریق رگرسیون چندمتغیری، تحلیل مسیر و تحلیل عاملی مشخص شده است.



رگرسیون چندمتغیری

جدول ۱۳: خلاصه مدل رگرسیون چندمتغیری متغیرهای مستقل با بحران اخلاقی

مدل	R ضریب هم‌بستگی چندگانه	R ² ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	خطای معیار برآورد
۱	/۸۴۴	/۷۱۳	/۷۱۰	/۲۴۴۳۰

نتایج رگرسیون چندمتغیری نشان می‌دهد R یا ضریب هم‌بستگی چندگانه متغیرهای مستقل با بحران اخلاقی ۰/۸۴، ضریب تعیین یا R_p برابر با ۰/۷۱ و ضریب تعیین تعدیل شده برابر با ۰/۷۱ است. به عبارت دیگر، چهار متغیر مستقل و پیش‌بین وارد شده به معادله شامل ضعف کنترل‌های اجتماعی، احساس نابرابری، احساس نارضایتی و فردگرایی خودخواهانه توانسته‌اند ۷۱ درصد از واریانس تلقی شهروندان از بحران اخلاقی را توضیح دهند که حاکی از قدرت قابل توجه این متغیرها در توضیح تغییرات بحران اخلاقی است.

جدول ۱۴: نتایج رگرسیون چندمتغیری متغیرهای مستقل با بحران اخلاقی

متغیرها	ضرایب غیرمتمرکز		ضریب استاندارد	مقدار T	سطح معنی‌داری
	B	خطای معیار برآورد	Beta		
مقدار ثابت	/۸۷۸	/۱۰۹		۸/۰۵۳	/۰۰۰
ضعف کنترل‌های اجتماعی	/۲۶۱	/۰۲۳	/۴۲۸	۱۱/۱۸۷	/۰۰۰
احساس نابرابری	/۲۲۴	/۰۲۶	/۲۹۴	۸/۶۲۹	/۰۰۰
احساس نارضایتی	/۱۳۳	/۰۲۳	/۱۹۴	۵/۷۱۴	/۰۰۰
فردگرایی خودخواهانه	/۱۱۷	/۰۲۷	/۱۳۲	۴/۳۲۲	/۰۰۰



تحلیل مسیر

نتایج تحلیل مسیر و آزمون مدل نظری پژوهش نشان می‌دهد در مسیر اثرگذاری متغیرهای مستقل بر بحران اخلاقی علاوه بر متغیر کنترل‌های اجتماعی، متغیر احساس نارضایتی نیز نقش واسط و میانجی دارد. این نتایج همچنین نشان می‌دهد متغیر احساس نابرابری بیشترین مجموع تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم (۰/۴۸۱) را بر تلقی شهروندان از بحران اخلاقی دارد.

این مسئله از شدت احساس نابرابری در جامعه و پیامدهای مخرب اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی چنین احساسی حکایت دارد. متغیرهای احساس ضعف کنترل‌های اجتماعی (۰/۴۲۸)، احساس نارضایتی (۰/۳۲۸) و فردگرایی خودخواهانه (۰/۲۵۳) به ترتیب در مراتب دوم تا چهارم از نظر شدت مجموع تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم بر تلقی از بحران اخلاقی قرار می‌گیرند.

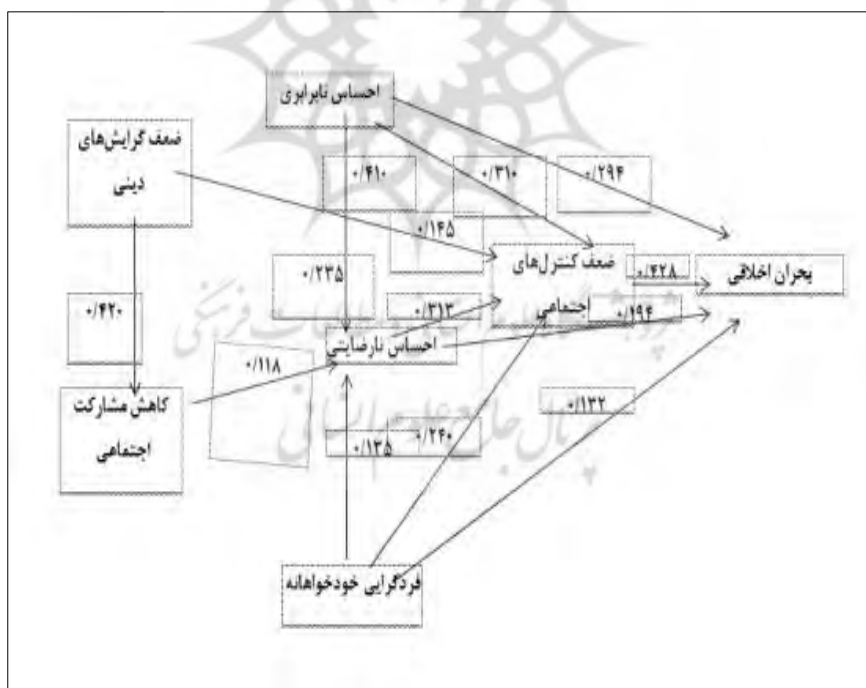
نتایج تحلیل مسیر همچنین نشان می‌دهد دو متغیر گرایش‌های دینی و مشارکت اجتماعی، رابطه مستقیمی با بحران اخلاقی ندارند؛ اما این به معنی بی‌تأثیر بودن آن‌ها نیست؛ چراکه این دو متغیر از طریق تأثیرگذاری بر متغیرهای واسط و میانجی چون کنترل‌های اجتماعی و احساس نارضایتی بر بحران اخلاقی اثر می‌گذارند.

گرایش‌های دینی و مشارکت اجتماعی به ترتیب با مجموع تأثیرات غیرمستقیم (۰/۰۶۲) و (۰/۰۱۶) در مراتب پنجم و ششم از نظر شدت تأثیر بر بحران اخلاقی هستند.



جدول ۱۵: آثار مستقیم، غیرمستقیم و کل متغیرهای مستقل بر بحران اخلاقی

انواع تأثیرات متغیرهای مستقل	مستقیم	غیرمستقیم	کل (مجموع مستقیم و غیرمستقیم)
احساس نابرابری	۰/۲۹۴	۰/۱۸۷	۰/۴۸۱
فردگرایی	۰/۱۳۲	۰/۱۲۱	۰/۲۵۳
ضعف کنترل‌های اجتماعی	۰/۴۲۸	-	۰/۴۲۸
احساس نارضایتی	۰/۱۹۴	۰/۱۳۴	۰/۳۲۸
ضعف گرایش‌های دینی	-	۰/۰۶۲	۰/۰۶۲
کاهش مشارکت اجتماعی	-	۰/۰۱۶	۰/۰۱۶



شکل ۲: نمودار مسیر بحران اخلاقی



بنا بر نتایج، R_2 مدل مسیر برابر با $0/71$ است و نشان می‌دهد 71 درصد واریانس بحران اخلاقی را متغیرهای وارد شده به مدل تبیین می‌کنند. قدرت توضیحی بالا و همچنین تعداد کم متغیرهای وارد شده به مدل حاکی از میزان بالای نیکویی برازش مدل است.

تحلیل عاملی

تحلیل عاملی اکتشافی، یکی از انواع معادلات ساختاری است. هدف اصلی تحلیل عاملی اکتشافی، ترکیب و تلخیص متغیرها به منظور دستیابی به ساختار زیربنایی و ممکن آن‌هاست. این روش با بررسی هم‌بستگی درونی متغیرها، در نهایت آن‌ها را در قالب عامل‌های کلی، دسته‌بندی می‌کنند.

این پژوهش با شش متغیر فردگرایی، ضعف کنترل‌های اجتماعی، احساس نابرابری، ضعف گرایش‌های دینی، احساس نارضایتی و کاهش مشارکت اجتماعی به دنبال تبیین بحران اخلاقی در جامعه است. نتایج رگرسیون چندمتغیره نشان داد مجموع متغیرهای وارد شده به معادله رگرسیون توانسته‌اند 71 درصد واریانس بحران اخلاقی را توضیح دهند.

در این پژوهش از روش تحلیل عاملی اکتشافی و مدل تحلیل مؤلفه‌های اصلی و روش عامل‌های متعامد استفاده شده است. از آنجا که اساس تحلیل عاملی بر هم‌بستگی بین متغیرهاست، این پژوهش، روش ماتریس هم‌بستگی بین متغیرها و نیز آزمون‌های کمو (Kaiser-Meyer-Olkin Measure of Sampling Adequacy) و بارتلت (Bartlett's Test of sphericity) را برای تشخیص مناسب بودن متغیرها برای تحلیل عاملی انتخاب کرده است. نتایج ماتریس هم‌بستگی نشان می‌دهد رابطه بین متغیرها به شکل گیری دو عامل منجر شده است؛ به طوری که متغیرهای درون عامل هم‌بستگی زیادی با هم دارند ($+0/3$)؛ ولی بین متغیرهای موجود در خوشه‌ها هم‌بستگی زیاد و معنی‌داری وجود ندارد.



نتایج آزمون کمو و بارتلت نیز نشان می‌دهد مقدار شاخص کمو بزرگ‌تر از ۰/۷۵۲ و هم‌بستگی موجود بین متغیرها برای تحلیل عاملی مناسب است. نتیجه آزمون بارتلت نیز نشان می‌دهد فرض صفر (H_0) یا ناهم‌بستگی داده‌ها رد شده است و بنابراین، متغیرها برای تحلیل عاملی، مناسب هستند.

جدول ۱۶: نتایج آزمون کمو و بارتلت

سنجه کفایت نمونه اولکین - مایر - کایزر	۰/۷۵۲
Approx. Chi-Square	۵۸۶/۲۱۳
درجه آزادی	۱۵
سطح معنی داری	۰/۰۰۰
آزمون کرویت بارتلت	

نتایج تحلیل عاملی در جدول ۱۷ نشان می‌دهد مقدار ویژه یا مقداری از واریانس کل (۱۰۰٪) که توسط دو عامل برآورد شده است، بیشتر از یک است و بنابراین، می‌توان آن‌ها را عامل‌های معنی‌دار در نظر گرفت. مابقی عامل‌ها که مقدار آن‌ها کمتر از یک است، از تحلیل کنار گذاشته شده‌اند.



جدول ۱۷: مجموع واریانس توضیح داده شده

عامل‌ها	مقادیر ویژه اولیه (Initial Eigenvalues)			عصاره مجموعه مجذورات بارهای عاملی Extraction Sums of) (Squared Loadings			عصاره مجموعه مجذورات بارهای عاملی چرخش یافته Rotation Sums of) (Squared Loadings		
	کل	درصد واریانس	درصد انباشتی	کل	درصد واریانس	درصد انباشتی	کل	درصد واریانس	درصد انباشتی
۱	۲/۶۸۶	۴۴/۷۶۴	۴۴/۷۶۴	۲/۶۸۶	۴۴/۷۶۴	۴۴/۷۶۴	۲/۳۳۹	۳۸/۹۸۳	۳۸/۹۸۳
۲	۱/۱۶۶	۱۹/۴۳۲	۶۴/۱۹۶	۱/۱۶۶	۱۹/۴۳۲	۶۴/۱۹۶	۱/۵۱۳	۲۵/۲۱۳	۶۴/۱۹۶
۳	۰/۷۴۴	۱۲/۴۰۰	۷۶/۵۹۶						
۴	۰/۵۴۵	۹/۰۸۲	۵۸/۶۷۷						
۵	۰/۵۱۱	۸/۵۱۶	۹۴/۱۹۳						
۶	۰/۳۴۸	۵/۸۰۷	۱۰۰/۰۰۰						

بر اساس این جدول، مقدار ویژه عامل یک (۲/۶۸۶) و سهم آن از واریانس کل برابر با ۴۴/۷۶۴ است. مقدار ویژه عامل دوم (۱/۱۶۶) و سهم آن از واریانس کل برابر با ۱۹/۴۳۲ است.

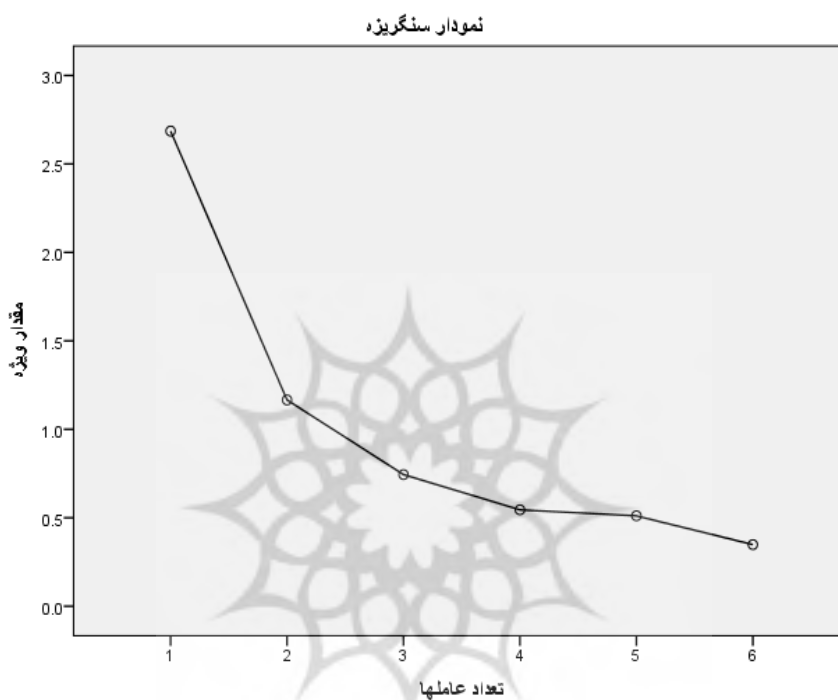
البته این سهم عامل‌ها از واریانس کل قبل از چرخش ضرایب است و پس از چرخش ضرایب (بلوک ۳ جدول)، واریانس، میان دو عامل یکنواخت‌تر توزیع شده است؛ به طوری که سهم عامل اول از واریانس کل برابر با ۳۸/۹۸۳ و سهم عامل دوم از واریانس کل به ۲۵/۲۱۳ رسیده است.

در مجموع، این دو عامل ۶۴/۱۹۶ درصد واریانس کلی را برآورد کرده‌اند که برای دو مؤلفه مقدار زیادی است. هرچه این مقدار به ۱۰۰ نزدیک شود، تفسیر بهتری از دو عامل به دست می‌دهد.

نمودار سنگریزه (Scree Plot)، وضعیت این دو عامل را از نظر مقدار ویژه و سهم از واریانس کل نشان می‌دهد. برای مشخص کردن تعداد عامل‌ها و نیز مقدار



ویژه آن‌ها در این نمودار کافی است فضای $y=1$ را رسم کنید. عامل‌هایی که بالای این خط قرار بگیرند، عامل‌های اصلی شناخته می‌شوند. نمودار سنگریزه نشان می‌دهد دو عامل، بالاتر از فضای $y=1$ قرار گرفته‌اند.



شکل ۳: نمودار سنگریزه تعیین عامل‌ها

ماتریس مؤلفه‌های چرخش یافته (Rted Component Matrix) به وضوح متغیرهایی را که در این پژوهش، ذیل عامل‌های ۱ و ۲ قرار گرفته‌اند، مشخص می‌کند.



جدول ۱۸: ماتریس مؤلفه‌های چرخش یافته

	عامل‌ها	
	۱	۲
احساس نابرابری	۰/۷۹۰	
فردگرایی خودخواهانه	۰/۶۵۱	
ضعف گرایش‌های دینی		۰/۸۵۶
کاهش مشارکت اجتماعی		۰/۸۲۷
احساس نارضایتی	۰/۷۵۸	
احساس ضعف کنترل‌های اجتماعی	۰/۸۲۴	

عامل اول متشکل از چهار متغیر احساس نابرابری، فردگرایی خودخواهانه، احساس نارضایتی و ضعف کنترل‌های اجتماعی است. میزان هم‌بستگی این چهار متغیر با هم زیاد و بین ۰/۶۵ تا ۰/۸۲ است.

ترکیب و باهم‌نگری این چهار متغیر، ما را به هسته مرکزی و مکون آن‌ها یعنی «بیگانگی اجتماعی» رهنمون می‌کند. «تشدید بیگانگی اجتماعی» از نارضایتی تا احساس نابرابری و ضعف کنترل‌های اجتماعی، رابطه کنشگران فردی و جامعه را سست و ناپایدار کرده، از هم می‌گسلد.

در چنین وضعیتی، افراد با بی‌اعتنایی و نقض قواعد اخلاقی از تعهدات و مسئولیت‌های اجتماعی سر باز می‌زنند؛ به همین دلیل، می‌توان تشدید عوامل بیگانه‌ساز یا نیروهای گریز از مرکز را هسته مرکزی عامل یا مؤلفه اولی که منجر به بحران اخلاقی می‌شود، در نظر گرفت.

این مفهوم در ادبیات جامعه‌شناسی نظم، جایگاه درخور توجهی دارد. از دیدگاه بسیاری از جامعه‌شناسان کلاسیک و متأخر، بیگانگی اجتماعی و کاهش هم‌بستگی و انسجام اجتماعی، یکی از عوامل اصلی بحران اخلاقی، بی‌نظمی، آشفتگی و آنومی است.



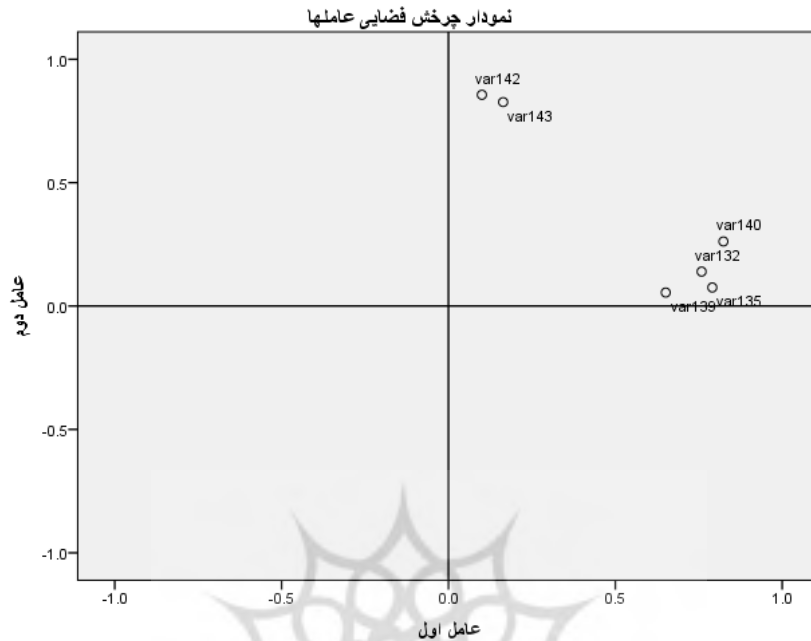
عامل دوم، همچنان که ماتریس مؤلفه‌های چرخش یافته نشان می‌دهد، از دو متغیر گرایش‌های دینی و مشارکت اجتماعی تشکیل شده است. میزان هم‌بستگی این دو متغیر با هم بیش از ۰/۸۲ است.

این دو متغیر، ماهیت فرهنگی اجتماعی و جمع‌گرایانه دارند. گرایش‌های دینی فرد را به ساختار ارزش‌های فرهنگی مقوم نظم اخلاقی و اجتماعی پیوند می‌زند و مشارکت اجتماعی او را در ساختارهای اجتماعی و سیاسی مقوم نظم ادغام می‌کنند؛ به همین دلیل، می‌توان از آن‌ها با عنوان عوامل «یگانگی اجتماعی» نام برد.

از چنین منظری، «تضعیف یگانگی اجتماعی» یا به تعبیر دیگر، ضعف گرایش‌های دینی و کاهش مشارکت اجتماعی به منزله پشت کردن به قواعد اخلاقی نظم موجود و تشدیدکننده بحران اخلاقی و آشفتگی اجتماعی است. به طور کلی، تشدید عوامل بیگانه‌ساز و تضعیف عوامل یگانه‌ساز اجتماعی، به عنوان دو عامل اصلی، ترکیب و تلخیص‌کننده بسیاری از متغیرهای مؤثر بر بحران اخلاقی هستند.

نمودار چرخش فضایی (Component plot in rotatell space) دو عامل نیز نشان می‌دهد چهار متغیر ذیل عامل اول (یعنی احساس نابرابری، فردگرایی، احساس نارضایتی و ضعف کنترل‌های اجتماعی) به شکل هم‌بسته و در کنار هم در قسمت پایین خانه دوم قرار گرفته‌اند.





شکل ۴: نمودار چرخش فضایی عاملها

از سوی دیگر، همچنان که نمودار فضایی نشان می‌دهد، در قسمت بالای خانه دوم نمودار نیز دو متغیر ذیل عامل دوم (یعنی ضعف گرایش‌های دینی و کاهش مشارکت اجتماعی) قرار گرفته‌اند. نتایج تحلیل رگرسیون چندمتغیره بحران اخلاقی با دو عامل «تشدید بیگانگی اجتماعی» (عامل ۱) و «تضعیف یگانگی اجتماعی» (عامل ۲) نشان می‌دهد دو متغیر ۶۹/۶ درصد از واریانس بحران اخلاقی را تبیین می‌کنند.



جدول ۱۹: خلاصه مدل رگرسیون دو عامل با بحران اخلاقی

مدل	ضریب هم‌بستگی چندگانه R	ضریب تعیین R_r	ضریب تعیین تعدیل‌شده	خطای معیار برآوردی	آماره‌های تغییر یافته				
					ضریب تعیین تغییر یافته R_r	F تغییر یافته	درجه آزادی ۱	درجه آزادی ۲	سطح معنی داری F تغییر یافته
۱	۰/۸۳۵	۰/۶۹۸	۰/۶۹۶	۰/۲۴۹۹۶	۰/۶۹۸	۴۵۵/۷۴۴	۲	۳۹۵	۰/۰۰۰

جدول ۲۰: ضرایب رگرسیون دو عامل با بحران اخلاقی

مدل	ضرایب غیر استاندارد		ضرایب استاندارد		مقدار T	سطح معنی داری
	B	خطای معیار برآورد	Beta			
۱	مقدار ثابت	۳/۶۸۱	۰/۰۱۳		۲۹۳/۷۸۸	۰/۰۰۰
	عامل ۱	۰/۳۷۱	۰/۰۱۳	۰/۸۱۷	۲۹/۵۴۳	۰/۰۰۰
	عامل ۲	۰/۰۷۸	۰/۰۱۳	۰/۱۷۲	۶/۲۲۳	۰/۰۰۰



معادله رگرسیون با توجه به ضرایب استاندارد Beta به قرار زیر است:

(تضعیف یگانگی اجتماعی) $0/172$ + (تشدید یگانگی اجتماعی) $0/817$ = بحران اخلاقی

وزن عاملی هر یک از دو مؤلفه نیز نشان می‌دهد به‌ازای یک واحد تغییر در عامل ۱ یا تشدید بیگانگی اجتماعی، $0/817$ واحد تغییر در بحران اخلاقی ایجاد می‌شود. همچنین به‌ازای یک واحد تغییر در عامل ۲ یعنی تضعیف یگانگی اجتماعی، $0/172$ واحد تغییر در بحران اخلاقی ایجاد می‌شود.

بنا بر نتایج تحلیل عاملی، سهم و وزن عاملی متغیرهای تشدیدکننده بیگانگی اجتماعی شامل احساس نابرابری، احساس نارضایتی، فردگرایی و ضعف کنترل‌های اجتماعی در توضیح تلقی بحرانی از وضعیت اخلاقی جامعه، نزدیک به پنج برابر وزن عاملی متغیرهای تضعیف‌کننده یگانگی اجتماعی شامل ضعف گرایش‌های دینی و کاهش مشارکت اجتماعی است. در مجموع، می‌توان گفت دو عامل، نزدیک به ۷۰ درصد تغییرات بحران اخلاقی را توضیح می‌دهند. قدرت توضیحی زیاد در کنار محدودیت عوامل، حاکی از میزان زیاد برازش مدل رگرسیونی است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



نتیجه‌گیری

بحران اخلاقی و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن مسئله اصلی این پژوهش است. نتایج ارزیابی‌های ذهنی شهروندان مؤید بحرانی بودن وضعیت اخلاقی در جامعه ایران است.

دورکیم از چنین وضعیتی به‌عنوان ضعف هنجاری، «فساد اخلاقی» و حالت بیمارگونه‌ای یاد می‌کند که سلامت اخلاقی جامعه را به مخاطره می‌افکند. پارسونز از آن به‌عنوان اختلال کامل نظم هنجاری نام می‌برد و مرتن این بحران را با عنوان تعارض بین اهداف فرهنگی با ساختارهای اجتماعی و نهادی شناسایی می‌کند.

یافته‌های این پژوهش درباره بحران اخلاقی با یافته‌های پژوهشی رضایی (۱۳۸۰)، گودرزی (۱۳۸۲)، جوادی یگانه (۱۳۹۵)، جوادی یگانه و غفاری (۱۳۹۶)، غفاری (۱۳۹۴)، رفیع‌پور (۱۳۸۷)، پیران (۱۳۸۴)، کوثری (۱۳۸۲)، کوثری و نجاتی حسنی (۱۳۸۸)، شیانی و محمدی (۱۳۸۸)، نادری و همکاران (۱۳۹۰) و جوادی و همکاران (۱۳۹۱) حمایت می‌شود.

یافته‌های این پژوهش‌ها بر سیر نزولی ارزش‌های اخلاقی و تغییر نظام اخلاقی جامعه از ارزش‌های جمع‌گرایانه، معنوی، دینی و انسجام‌بخش به سمت ارزش‌های گریز از مرکز فردگرایانه، مادی و پولی کالایی تأکید می‌کنند. آنومی و بی‌هنجاری سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، سردرگمی، بلا تکلیفی و تعارض بین قواعد و ارزش‌ها با واقعیات، از جمله موارد مورد تأکید در این پژوهش‌ها و مؤید بحرانی بودن وضعیت اخلاقی جامعه ایران از دیدگاه شهروندان است.

اما از آنجا که داوری و ارزیابی شهروندان درباره وضعیت اخلاقی جامعه ممکن است بر اساس نوعی تجربه محدود و استقرای ناقص، همراه با اغراق و بزرگ‌نمایی یا آمیخته با پیش‌داوری باشد، این پژوهش میزان اعتبار داوری



شهروندان را درباره وضعیت اخلاقی جامعه با شواهد عینی ساختاری و آمارهای رسمی سنجیده است.

شواهد عینی و آمارهای رسمی از بحران اخلاقی و نقض مکرر قواعد اخلاقی و قانونی در جامعه از سوی کنشگران حکایت دارد. حجم زیاد پرونده‌های دعاوی قضایی نشان می‌دهد هر خانوار ایرانی بیش از یک پرونده در محاکم دادگستری دارد و به نوعی در مظان اتهام شکستن یک قاعده اخلاقی و قانونی قرار دارد.

تعداد زیاد زندانیان که ایران را در ردیف ده کشور اول جهان از نظر شمار زندانیان قرار داده است، آمار رو به صعود خودکشی، سرقت، طلاق، فساد و نیز ضعف وجدان کاری، همه مؤید ارزیابی و داوری شهروندان درباره بحرانی بودن وضعیت اخلاقی جامعه است؛ به عبارت دیگر، شهروندان قواعد و هنجارهای اخلاقی را که در دوراهی‌های زندگی باید از آنها دستگیری کند، پیش روی خود نمی‌بینند و گرفتار آنومی و بی‌هنجاری هستند.

در قبال مطلوبیت، مشروعیت، کارآمدی و فراگیری قواعد و ارزش‌های اخلاقی به شدت در تردید و تزلزل به سر می‌برند و قواعد موجود را در نظم‌بخشی و سامان‌دهی رفتارها ضعیف و ناکارآمد و متعارض و ناهماهنگ با یکدیگر و واقعیات زندگی اجتماعی می‌دانند؛ به همین دلیل، به‌طور مکرر اقدام به تخطی از قواعد و هنجارهای اخلاقی می‌کنند تا جایی که می‌توان گفت تخطی خود به یک قاعده و هنجار تبدیل شده است.

در چنین شرایط بحرانی، جامعه دچار بی‌نظمی، آشفتگی، تضاد، تعارض، تبعیض و نابرابری است و کنشگران به دلیل فقدان نقشه راه، در سردرگمی و بلاتکلیفی به سر می‌برند و در چندراهی‌های زندگی اجتماعی قادر به تصمیم‌گیری درست و کنش مناسب نیستند. در نبود قواعد مشترک اخلاقی یا بی‌اعتباری و ضعف اقتدار قواعد، امیال از قید افکار و هنجارها آزاد شده و کنشگران بر اساس امیال سرکش و سیری‌ناپذیر خودخواهانه عمل می‌کنند و بر سر تصاحب منابع محدود به رقابت



نامحدود روی می آورند. رقابت برای دستیابی به هدفی که محقق نمی شود به تضاد و تعارض، سرخوردگی و ناامیدی می انجامد و شور و شوق زندگی فروکش می کند. این شرایط، زمینه را برای شکستن و نقض قواعد و هنجارهای اخلاقی و انواع ناهنجاری، بزهکاری، کج روی، انحراف و ناامنی در جامعه فراهم می کند.

در مجموع، یافته ها مؤید بحران اخلاقی در جامعه بر اساس داوری ها و ارزیابی های ذهنی شهروندان و نیز شواهد عینی و ساختاری است. بر مبنای این یافته ها شش متغیر احساس نابرابری، ضعف کنترل های اجتماعی، احساس نارضایتی، فردگرایی خودخواهانه، ضعف گرایش های دینی و کاهش مشارکت اجتماعی، مهم ترین عواملی هستند که مستقیم و غیرمستقیم بر تلقی از بحران اخلاقی در جامعه ایران تأثیر می گذارند.

یافته های این پژوهش درباره عوامل مؤثر بر بحران اخلاقی و آنومی با یافته های پژوهش های رفیع پور (۱۳۷۸)، پیران (۱۳۸۵)، کوثری (۱۳۸۲)، شیانی و محمدی (۱۳۸۸)، نادری و همکاران (۱۳۹۰)، جوادی و همکاران (۱۳۹۱) و همچنین، نتایج تحقیقات آگینو (۱۹۸۰)، لی و کلید (۱۹۷۴)، برگارد و کوچران (۲۰۰۸)، چاملین و کوچران (۱۹۹۵) و آدانز (۲۰۰۷) حمایت می شود.

بر اساس نتایج تحلیل عاملی، این شش متغیر ذیل دو عامل «بیگانگی اجتماعی» و «بیگانگی اجتماعی» قرار می گیرند؛ به عبارت دیگر، بحران اخلاقی در جامعه ما بنا بر یافته های این پژوهش به تشدید «عوامل بیگانه ساز» و تضعیف «عوامل یگانه ساز» اجتماعی برمی گردد. احساس نابرابری، ضعف کنترل های اجتماعی، احساس نارضایتی و فردگرایی خودخواهانه که به ترتیب بیشترین تأثیر را بر بحران اخلاقی دارند، به مثابه عوامل بیگانه ساز و نیروهای گریز از مرکزی عمل می کنند که رابطه کنشگران را با جامعه، مختل و موجبات بیگانگی آن ها را به ارزش ها و هنجارهای اجتماعی و اخلاقی فراهم کرده اند.



از سوی دیگر، کاهش و ضعف گرایش‌های دینی و مشارکت اجتماعی نیز به‌عنوان عوامل یگانه‌ساز اجتماعی، موجب قطع پیوندها، تعاملات، تعهدات متقابل، کاهش شبکه‌های روابط و تضعیف انسجام و هم‌بستگی اجتماعی شده است. چنین وضعیتی، با ایجاد تردید و تزلزل دربارهٔ مطلوبیت، مشروعیت و کارآمدی قواعد و هنجارهای اجتماعی و اخلاقی و نیز نقض مکرر آن‌ها به بی‌هنجاری، تعارض هنجاری، ضعف هنجاری و نهایتاً بحران اخلاقی منجر شده است.

اما به‌زعم نگارندگان، چنین وضعیت بحرانی تعدیل‌ناپذیر و اصلاح‌نشدنی نیست. با بازاندیشی و بازتعریف ارزش‌ها و سنن فرهنگی و تاریخی در پرتو سازگاری با ارزش‌ها و نهادهای مدرن و نوعی مدرنیتهٔ بومی، تقویت «عوامل یگانه‌ساز» و نیروهای انسجام‌بخش و تضعیف و تخفیف نیروهای «بیگانه‌ساز»، نظم و انسجام اخلاقی بر جامعه حکمفرما خواهد شد؛ اما تا رسیدن به چنین مرحله‌ای، جامعه به‌ناگزیر دورانی از آشفتگی اخلاقی و اجتماعی را تجربه خواهد کرد. هرچه موانع و مشکلات عینی و ذهنی در مسیر این بازاندیشی بیشتر، مقاوم‌تر و سخت‌جان‌تر باشند، لاجرم نابسامانی و بحران اخلاقی نیز دیرپاتر خواهد بود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



کتاب‌نامه

۱. آبرکرامبی، نیکلاس و همکاران (۱۳۶۷)، *فرهنگ جامعه‌شناسی*، ترجمه حسن پویان، تهران: چاپخش.
۲. آملی لاریجانی، صادق (۱۳۹۴)، «پانزده میلیون پرونده در دستگاه قضایی داریم»، *ایسنا*، ۸ بهمن، در:
<http://www.isna.ir/news/94110804874>
۳. احمدی، حبیب (۱۳۸۴)، *جامعه‌شناسی انحرافات*، تهران: سمت.
۴. ازکمپ، استوارت (۱۳۷۰)، *روان‌شناسی اجتماعی کاربردی*، ترجمه فرهاد ماهر، تهران: آستان قدس رضوی.
۵. بیرو، آلن (۱۳۷۰)، *فرهنگ علوم اجتماعی*، ترجمه باقر ساروخانی، تهران: کیهان.
۶. پورمحمدی، مصطفی (۱۳۹۵)، «ورود بیش از چهارده میلیون پرونده به قوه قضائیه»، *وبگاه تابناک*، ۸ تیر، در:
<http://www.tabnak.ir/fa/news/601380>
۷. پیران، پرویز (۱۳۸۵)، «آنومی در تهران»، سخنرانی در خانه هنرمندان ایران، *وبگاه آفتاب آنلاین*، ۱۱ فروردین، در:
http://www.aftabir.com/articles/view/art_culture/art/c5c1143803482_art_p1.php
۸. پیوزی، مایکل (۱۳۸۴)، *یورگن هابرماس*، ترجمه احمد تدین، تهران: هرمس.
۹. ترنر، جان‌اتان. اچ. ال (۱۳۷۰)، *پیدایش نظریه جامعه‌شناسی (۲)*، ترجمه عبدالعلی لهستانی زاده، شیراز: مرکز نشر دانشگاه شیراز.
۱۰. جوادی یگانه، محمدرضا و غلامرضا غفاری (۱۳۹۶)، *وضعیت اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی جامعه ایران*، تهران: دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.



۱۱. جوادی یگانه، محمدرضا (۱۳۹۵)، *ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان؛ موج سوم*، تهران: دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۲. جوادی، حسن و همکاران (۱۳۹۱)، «بررسی عوامل مؤثر اجتماعی در احساس آنومی اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه تبریز»، *مطالعات جامعه‌شناختی*، س ۴، ش ۱۰: ۲۹-۴۵.
۱۳. چلبی، مسعود (۱۳۷۵)، *جامعه‌شناسی نظم، تحلیل و تشریح نظری نظم اجتماعی*، تهران: نشر نی.
۱۴. دورکیم، امیل (۱۳۶۰)، *فلسفه و جامعه‌شناسی*، ترجمه فرحناز خمسه‌ای، تهران: مرکز ایرانی مطالعه فرهنگ‌ها.
۱۵. دورکیم، امیل (۱۳۶۹)، *تقسیم کار اجتماعی*، ترجمه باقر پرهام، بابل: کتابسرا.
۱۶. دورکیم، امیل (۱۳۷۸)، *خودکشی*، ترجمه نادر سالارزاده، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
۱۷. دورکیم، امیل (۱۳۸۳)، *صور بنیانی حیات دینی*، ترجمه باقر پرهام، تهران: نشر مرکز.
۱۸. دورکیم، امیل (۱۳۹۴) *درباره تقسیم کار اجتماعی*، ترجمه باقر پرهام، تهران: نشر مرکز.
۱۹. رایبینگتن، ارل و مارتین وایتبرگ (۱۳۹۰)، *رویکردهای نظری هفتگانه در بررسی مسائل اجتماعی*، ترجمه رحمت‌الله صدیق سروسستانی، تهران: دانشگاه تهران.
۲۰. رحمانی‌فضلی، عبدالرضا (۱۳۹۵)، «گزارش وزیر کشور از آسیب‌های اجتماعی»، *مجلس شورای اسلامی*، وبگاه آنا، ۱۱ خرداد، در: <https://ana.ir/fa/news/14/91249>
۲۱. رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۸)، *آنومی یا آشفتگی اجتماعی؛ پژوهشی در زمینه پتانسیل آنومی در شهر تهران*، تهران: سروش.



۲۲. رضایی، عبدالعلی (۱۳۸۰)، *ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان؛ موج اول*، تهران: دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۳. زاهدی، محمدجواد (۱۳۸۵)، *توسعه و نابرابری*، تهران: مازیار.
۲۴. سازمان ثبت احوال کشور (۱۳۸۴)، *سالنامه آمارهای جمعیتی کشور*، تهران: دفتر آمار و اطلاعات جمعیتی و مهاجرت.
۲۵. سازمان ثبت احوال کشور (۱۳۸۵)، *سالنامه آمارهای جمعیتی کشور*، تهران: دفتر آمار و اطلاعات جمعیتی و مهاجرت.
۲۶. سازمان ثبت احوال کشور (۱۳۸۷)، *سالنامه آمارهای جمعیتی کشور*، تهران: دفتر آمار و اطلاعات جمعیتی و مهاجرت.
۲۷. سازمان ثبت احوال کشور (۱۳۹۱)، *سالنامه آمارهای جمعیتی کشور*، تهران: دفتر آمار و اطلاعات جمعیتی و مهاجرت.
۲۸. سازمان ثبت احوال کشور (۱۳۹۵)، *سالنامه آمارهای جمعیتی کشور*، تهران: دفتر آمار و اطلاعات جمعیتی و مهاجرت.
۲۹. ستوده، هدایت‌الله (۱۳۷۲)، *مقدمه‌ای بر آسیب‌شناسی اجتماعی*، تهران: آوای نور.
۳۰. سریرافراز، محمد، نازی محمدزاده اصل و قدرت‌الله امام‌وردی (۱۳۸۹)، «رتبه‌بندی شاخص‌های رفاه شهری مناطق مختلف شهر تهران»، *مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری*، س ۱، ش ۱: ص ۵۸-۱۰۶.
۳۱. شهریاری، حمید (۱۳۹۴)، «تشکیل بیش از یازده میلیون پرونده قضایی در سال ۱۳۹۳»، *شفا آنلاین*، ۲۶ خرداد، در: <http://www.shafaonline.ir/fa/news/65887>
۳۲. شیانی، ملیحه و محمدعلی محمدی (۱۳۸۸)، «تحلیلی بر احساس آنومی فردی در میان جوانان با تأکید بر جنسیت»، *جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران (تحقیقات علوم اجتماعی ایران)*، س ۱، ش ۳، ص ۲۱-۳۴.



۳۳. غفاری، غلامرضا (۱۳۹۴)، *سنجش سرمایه اجتماعی کشور (موج دوم)*، تهران: دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.

۳۴. کوثری، مسعود و احمد رجب‌زاده (۱۳۸۲)، «آنومی سیاسی در ایران با تکیه بر شهروندان تهرانی»، *نامه علوم اجتماعی*. دوره ۱، ش ۲۱ (پیاپی ۴۴۴)، ص ۳۱۹-۳۴۸.

۳۵. کوثری، مسعود و سید محمود نجاتی حسینی (۱۳۸۸)، *پتانسیل آنومی اجتماعی در مناطق حاشیه‌ای شهر تهران*، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، معاونت پژوهشی، دفتر گسترش تولید علم.

۳۶. کوزر، لوئیس و برنارد روزنبرگ (۱۳۷۸)، *نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناختی*، ترجمه فرهنگ ارشاد، تهران: نشر نی.

۳۷. کوئن، بروس (۱۳۷۵)، *مبانی جامعه‌شناسی*، ترجمه غلام‌عباس توسلی و رضا فاضل، تهران: سمت.

۳۸. کیویستو، پیت (۱۳۸۶)، *اندیشه‌های بنیادین در جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.

۳۹. گودرزی، محسن (۱۳۸۲)، *ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان؛ موج دوم*، تهران: دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

۴۰. گولدنر، آلون (۱۳۸۳)، *بحران در جامعه‌شناسی غرب*، ترجمه فریده ممتاز، تهران: شرکت سهامی انتشار.

۴۱. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۵)، *تجدد و تشخیص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید*، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.

۴۲. محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۶۹)، *بررسی زمینه‌های مشارکت روستاییان و ارتباط آن با ترویج کشاورزی*، تهران: معاونت ترویج و مشارکت مردمی وزارت جهاد سازندگی.



۴۳. مرکز آمار ایران (۱۳۹۳)، *سالنامه آماری کشور ۱۳۹۳*، ریاست جمهوری، تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.

۴۴. مرکز آمار ایران (۱۳۹۴)، *سالنامه آماری کشور ۱۳۹۴*، ریاست جمهوری، تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.

۴۵. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۱)، «گزارش ساعت کار مؤثر سالیانه در یازده کشور»، وبگاه مهرنیوز، ۲۹ اردیبهشت، در:

<http://www.mehrnews.com/news/1604-196>.

۴۶. مسنر، استیون اف و ریچارد روزنفلد (۱۳۹۲)، «مزایا و معایب رؤیای آمریکایی»، ترجمه علی موسی‌نژاد، *نشریه فرهنگ ایلام*، دوره ۱۴، ش ۳۸ و ۳۹، ص ۲۰۱-۲۱۲.

۴۷. معیدفر، سعید (۱۳۸۵)، *جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران*، تهران: علم.

۴۸. میلر، دلبرت (۱۳۸۰)، *راهنمای سنجش تحقیقات اجتماعی*، ترجمه هوشنگ نایی، تهران: نشر نی.

۴۹. نادری، حمدالله و همکاران (۱۳۹۰)، «سنجش چندبعدی آنومی در بین جوانان»، *فصلنامه مطالعات اجتماعی*، دوره جدید، ش ۲۵، ص ۲۱۰-۱۷۹.

50. Adnanes, Martin (2007). "Social Transitions and Anomie Among post- Communist Bulgarian Youth", *Young, Nordic Journal of Youth Research*. 15(1): 46-69.

51. Agnew, Robert S. (1980). "Success and Anomie: A Study of the Effect of Goals on Anomie". *Sociological Quarterly*. 21(1): 53-64.

52. Allen, Michael (2009). "The civil sphere By Jeffrey C. Alexander, (review)". *social Forces*. 88(2): 984-985.



53. Bellah Robert, et al. (1985). *Habits of the Heart: Individualism and Commitment in American Life*. Berkeley University of California Press.
54. Bjerregaard, Beth & Cochran, J. K. (2008). "A Cross-National Test of Institutional Anomie Theory: Do The Strength of Other Social Institutions Mediate or Moderate the Effects of the Economy on the Rate of Crime?" *western Criminology Review*. 9(1): 31-48.
55. Chamlin Mitchell B and John k, Cochran (1995). "Assessing Messner and Rosenfelds, Institutinoal Anomie Theory: A Partial Test". *Criminology*. 33: 411-429.
56. Durkheim, Emile (1994). *Division of Labour in Social*, Paris: PUF.
57. Durkheim, Emile (1951). "suicide: A Study in sociology", Translated by G, Simpson". *the free press*: 245-257.
58. Durkheim, Emile (1999). *Leducation Morale*, Paris: PUF.
59. Hagan, J., Merkens, H. & Boehnke K. (1995). "Delinquency and Disdain: Social Capital and the Control of Right-Wing Extremism Among East and West Berlin Youth". *American Journal of Sociology*. 100(4): 1028-1052.
60. Lee, Gary R. And Robert W. clyde (1974) "Religion, socioeconomic status, and Anomie", *Journal of the Scientific study of religion*, 13(1): 35-47.
61. Legge, Sandra (2008). "Social Structural Effects on the Level and Development of The individual Experience of Anomie in the German



Population". *International Journal of Conflict and Violence*. 2(2): 248-267.

62. Merton, Robert K. (1949). *Social Theory and Social structure*, New York: Free Press.

63. Mestrovic, Stjepan G. (1989). "Durkheim's Conceptualization of Political Anomie", *Research in Political Sociology*, 4: 1-26.

64. Messner, Steven F. and Richard Rosenfeld (1997). "Political Restraint of the Market and Levels of Criminal Homicide: A Cross-National Application of Institutional Anomie Theory", *Social Forces*, 75:1395-1416.

65. Parsons, T. and Shils, Edward (1951). *Toward A General Theory of Action*, New York: Harper and Row

66. International Transparency Organization (2016). "13-year report on the countries in the Corruption Perceptions Index". [http:// www.transparency.org/cpi2016#results-table](http://www.transparency.org/cpi2016#results-table).

67. World Prison Studies Center (2014). "Summary report on the Situation of prisoner in the world". www.prisonstudies.org/country/iran.



References

1. Ghafari, Gholamreza (2015). *Assessing the country's social capital (second wave)*. Tehran: National Projects Office of the Ministry of Culture and Islamic Guidance, Culture, Art and Communication Research Institute.
2. Abercrombie, Nicholas and colleagues (1988). *Culture of Sociology*. translated by Hasan Pouyan, Tehran: Chapakhsh.
3. Adnanes, Martin (2007). "Social Transitions and Anomie Among post- Communist Bulgarian Youth", *Young, Nordic Journal of Youth Research*. 15(1): 46-69.
4. Agnew, Robert S. (1980). "Success and Anomie: A Study of the Effect of Goals on Anomie". *Sociological Quarterly*. 21(1): 53-64.
5. Ahmadi, Habib (2005). *Sociology of deviations*. Tehran: Samt.
6. Allen, Michael (2009). "The civil sphere By Jeffrey C. Alexander, (review)". *social Forces*. 88(2): 984-985.
7. Amoli Larijani, Sadegh (2015). "We have fifteen million cases in the judicial system", *ISNA*, 8 Bahman, at: <http://www.isna.ir/news/94110804874>
8. Bellah Robert, et al. (1985). *Habits of the Heart: Individualism and Commitment in American Life*. Berkeley University of California Press.
9. Biro, Alan (1991). *Culture of Social Sciences*. translated by Bagher Sarokhani. Tehran: Keihan
10. Bjerregaard, Beth & Cochran, J. K. (2008). "A Cross-National Test of Institutional Anomie Theory: Do The Strength of Other Social Institutions Mediate or Moderate the Effects of the Economy on the Rate of Crime?" *western Criminology Review*. 9(1): 31-48.
11. Chalabi, Masoud (1996). *Sociology of order. theoretical analysis and description of social order*. Tehran: Ney Publishing.
12. Chamlin Mitchell B and John k, Cochran (1995). "Assessing Messner and Rosenfelds, InstitutinoalAnomieTheory:A Partial Test". *Criminology*. 33: 411-429.
13. Civil Registration Organization of the country (2006). *Yearbook of demographic statistics of the country*. Tehran: Bureau of Population and Immigration Statistics and Information.
14. Civil Registration Organization of the country (2016). *Yearbook of demographic statistics of the country*. Tehran: Bureau of Population and Immigration Statistics and Information.
15. Cohen, Bruce (1996). *Basics of Sociology*. translated by Gholam Abbas Tusli and Reza Fazel. Tehran: Samt.
16. Country Status Registration Organization (2005). *Population Statistics Yearbook of the country*. Tehran: Demographic and Immigration Statistics and Information Office.
17. Country Status Registration Organization (2008). *Population Statistics Yearbook of the country*. Tehran: Demographic and Immigration Statistics and Information Office.
18. Country Status Registration Organization (2012). *Yearbook of Population Statistics of the Country*. Tehran: Bureau of Demographic and Immigration Statistics and Information.
19. Durkheim, Emil (1981). *Philosophy and Sociology*. translated by Farhanaz Khamsaei. Tehran: Iranian Center for the Study of Cultures.
20. Durkheim, Emil (1990). *Division of social work*. translated by Baqir Parham. Babol: Ketabsara.
21. Durkheim, Emil (1999). *Suicide*. translated by Nader Salarzadeh. Tehran: Allameh Tabatabai University Press.
22. Durkheim, Emil (2004). *The Basic Forms of Religious Life*. translated by Baqer Parham. Tehran: Markaz.

23. Durkheim, Emil (2015). *on the division of social work*. translated by Baqer Parham. Tehran: Markaz.
24. Durkheim, Emile (1951). "suicide: A Study in sociology", Translated by G, Simpson". *the free press*: 245-257.
25. Durkheim, Emile (1994). *Division of Labour in Social*, Paris: PUF.
26. Durkheim, Emile (1999). *Leducation Morale*, Paris: PUF.
27. Ezkamp, Stuart (1991). *Applied Social Psychology*. translated by Farhad Maher. Tehran: Astan Quds Razavi.
28. Giddens, Anthony (2006). *Modernity and Identity: Society and Personal Identity in the New Age*. translated by Nasser Mouvafaqian. Tehran: Ney Publishing.
29. Goldner, Alvin (2004). *Crisis in Western Sociology*. translated by Farideh Mumtaz. Tehran: Publishing Company.
30. Guderzi, Mohsen (2003). *Values and Attitudes of Iranians; Second Wave*. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance National Projects Office.
31. Hagan, J., Merkens, H. & Boehnke K. (1995). "Delinquency and Disdain: Social Capital and the Control of Right-Wing Extremism Among East and West Berlin Youth". *American Journal of Sociology*. 100(4): 1028-1052.
32. International Transparency Organization (2016). "13-year report on the countries in the Corruption Perceptions Index". <http://www.transparency.org/cpi2016#results-table>.
33. Iran Statistics Center (2014). *Statistical Yearbook of the country 2014*. Presidency. Tehran: Organization of Management and Planning of the country.
34. Iran Statistics Center (2015). *Statistical Yearbook of the country 2015*. Presidency. Tehran: Organization of Management and Planning of the country.
35. Islamic Council Research Center (2012). "Annual effective working hours report in eleven countries". *Mehrnews website*. April 29. at: <http://www.mehrnews.com/news/1604-196>.
36. Javadi Yeganeh, Mohammadreza (2017). *Values and Attitudes of Iranians; third wave*. Tehran: Office of National Plans of the Ministry of Culture and Islamic Guidance.
37. Javadi Yeganeh, Mohammadreza and Gholamreza Ghafari (1990). *Social, Cultural and Moral Status of Iranian Society*. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance National Projects Office, Research Institute of Culture, Art and Communication.
38. Javadi, Hassan, et al. (2012). "Investigation of effective social factors in the feeling of social anomie among Tabriz University students", *Sociological Studies*. 4(10): 29-45.
39. Kivisto, Peter (2007). *Fundamental Thoughts in Sociology*. translated by Manouchehr Sabouri. Tehran: Ney Publishing.
40. Kothari, Masoud and Ahmad Rajabzadeh (2003). "Political anomie in Iran based on Tehrani citizens". *Social Sciences Letter*. 1(21) (consecutive 444): 319-348.
41. Kothari, Masoud and Seyyed Mahmoud Nejati Hosseini (2009). *The potential of social anomie in marginal areas of Tehran city*. Tehran: Islamic Azad University, Research Vice-Chancellor, Science Production Extension Office.
42. Kozler, Louis and Bernard Rosenberg (1999). *Fundamental Sociological Theories*. Farhang Ershad translation. Tehran: Ney Publishing.
43. Lee, Gary R. And Robert W. clyde (1974) "Religion, socioeconomic status, and Anomie", *Journal of the Scientific study of religion*, 13(1): 35-47.
44. Legge, Sandra (2008). "Social Structural Effects on the Level and Development of Theindividual Experience of Anomie in the German Population". *International Journal of Conflict and Violence*. 2(2): 248-267.
45. Merton, Robert K. (1949). *Social Theory and Social structure*, New york: Free press.
46. Messner, Steven F. and Richard Rosenfeld (1997). "Political Restraint of the Market and Levels of Criminal Homicide: A Cross-Nationl Application of Institutional Anomie Theory", *Social Forces*, 75:1395-1416.

47. Messner, Steven F. and Richard Rosenfeld (2013). "Advantages and Disadvantages of the American Dream", translated by Ali Mousanejad. *Farhang Ilam Magazine*, 14 (38 & 39): 201-212.
48. Mestrovic, Stjepan G. (1989). "Durkheim's Conceptualization of Political Amonie", *Research in Political Sociology*, 4: 1-26.
49. Miller, Delbert (2001). *Social Research Assessment Guide*. translated by Hoshang Nayebi. Tehran: Ney Publishing.
50. Moayedfar, Saeed (2006). *Sociology of Iran's Social Issues*. Tehran: Elm.
51. Mohseni Tabrizi, Alireza (1990). *surveying the fields of villagers' participation and its relationship with agricultural promotion*. Tehran: Deputy of Public Promotion and Participation Ministry of Construction Jihad.
52. Naderi, Hamdollah, et al. (2011). "Multidimensional measurement of anomie among youth", *Social Studies Quarterly*. New Period, 25: 179-210.
53. Parsons, T. and shills, Edward (1951). *Toward A General Theory of Action*, New youk: Horper and Row
54. Piozzi, Michael (2005). *Jürgen Habermas*. translated by Ahmad Tadaion. Tehran: Hermes.
55. Piran, Parviz (2006). "Anomie in(Tehran)". lecture at Tehran Artists House, *Aftab Online website*, April 11, at: http://www.aftabir.com/articles/view/art_culture/art/c5c1143803482_art_p1.php
56. Pourmohammadi, Mustafa (2016). "More thanfourteen million birds entered the judiciary", *Tabnak website*, July 8. at: <http://www.tabnak.ir/fa/news/601380>
57. Rafipour, Faramarz (1999). *anomie or social chaos; A research on the potential of anomy in Tehran*. Tehran: Soroush.
58. Rahmanifazli, Abdul Reza (2016). "Interior Minister's report on social harms". Islamic Council. *Ana website*, June 11. at: <https://ana.ir/fa/news/14/91249>
59. Rezaei, Abdul Ali (2001). *Values and Attitudes of Iranians; First wave*. Tehran: Office of National Plans of the Ministry of Culture and Islamic Guidance.
60. Robbington, Earl and Martin Whitenberg (2011). *seven theoretical approaches in the study of social issues*. translated by Rahmatullah Sediq Sarvestani. Tehran: University of Tehran.
61. Shahriari, Hamid (2015). "Establishing more than eleven million judicial cases in 2014". *Shafa Online*. 26 Khordad. at: <http://www.shafaonline.ir/fa/news/65887>
62. Shiani, Malihe and Mohammad Ali Mohammadi (2009). "An analysis of the feeling of individual anomie among young people with an emphasis on gender". *Sociology of Social Issues of Iran (Iranian Social Sciences Research)*. 1(3): 21-34.
63. Sotoudeh, Hedayatullah (1993). *an introduction to social pathology*. Tehran: Avaye Noor.
64. Srirafraz, Mohammad, Mohammadzadeh Asl, Nazi & Imam Vardi, Ghodratullah (2010). "Ranking of urban welfare indicators of different areas of Tehran. *Journal of Urban Research and Planning*". 1(1): 58-106.
65. Turner, Jonathan. H. L. (1991). *The Origin of Sociological Theory (2)*. translated by Abdul Ali Lehstaizadeh. Shiraz: Shiraz University Publishing Center.
66. World Prison Studies Center (2014). "Summary report on the Situation of prisoner in the world". www.prisonstudies.org/country/iran.
67. Zahedi, Mohammad Javad (2006). *Development and Inequality*. Tehran: Maziar.